

## ۱- اهمیت امور اقتصادی

## در فرآیند تاریخی

پروفسور جان کنت گالبریت (John K. Galbraith) استاد ممتاز دانشگاه هاروارد و برندهٔ جایزهٔ نوبل در اقتصاد که درک عمیقی از تحولات اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری بویژه جوامع در حال توسعه دارد می‌گوید: «هیچ چیز و مطلقاً هیچ چیز در حد فقر و بی‌پولی آزادی انسان را نفی نمی‌کند.» فقر کشنده حق انتخاب (آزادی) از یک طرف و بی‌اراده کردن و کشاندن انسان به سوی پیروی از نیروهای غریزی (حیوانی) برای زنده ماندن از طرف دیگر است.

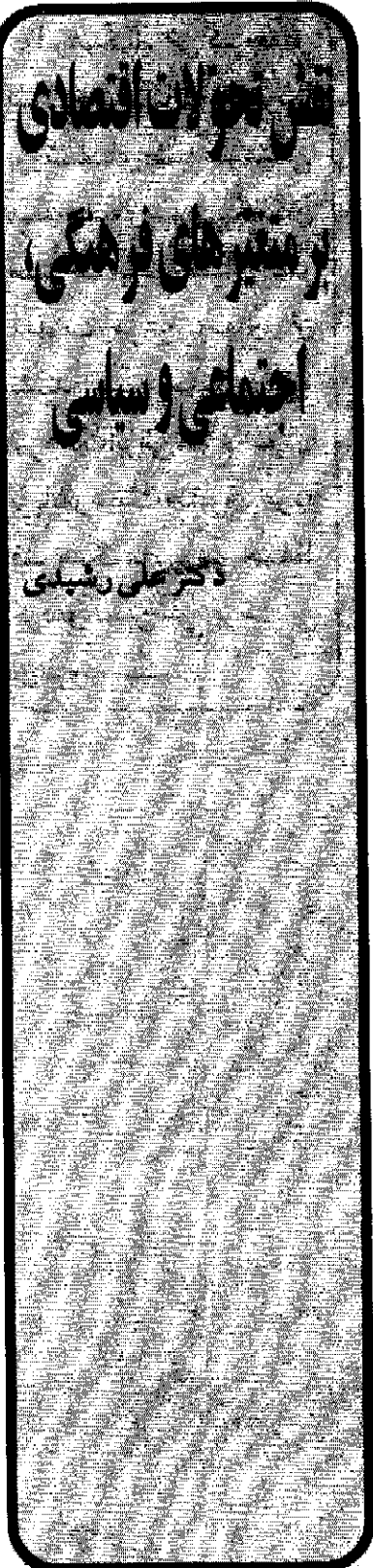
انسان بعنوان کاملترین و با شعورترین موجود زنده، دستکم از بیست هزار سال پیش (آغاز عصر کشاورزی) به گونهٔ غریزی و تجربی درک کرده است که کار توأم با برنامه‌ریزی و مدیریت (سنجش ترکیب امکانات قنی، زمان و عوامل تولید) می‌تواند در تأمین نیازهای مادی و ایجاد آرامش ذهنی (احساس امنیت) او نقش داشته باشد. برای انسان ابتدایی در شرایطی که مالکیت وجود نداشت تأمین نیازهای مادی از راه کار و کوشش خود فرد و سپس فرد و خانواده و بردگان قابل تحصیل بود ولی آرامش ذهنی و امنیت مقوله‌ای بود که به رابطهٔ انسان با دیگران و واکنش دیگران نسبت به فرد بستگی داشت. متعدد و نامحدود بودن خواسته‌ها و نیازهای بشری، آزادی او در بهره‌برداری از مواهب طبیعی اولیه، و نیز تکامل تدریجی درک و شعور انسان از راه تجربه و خطا، انسان را در راه تولید بیش از مصرف یعنی داشتن پس‌انداز و به کار بردن پس‌انداز برای تولید بیشتر یا به کارگیری پس‌اندازها برای تأمین رفاه (مسکن، وسایل زندگی، ابزارهای تولید بهتر) هدایت کرد.

تمدن بشر محصول کار و کوشش و برنامه‌ریزی انسانها برای بهتر زیستن و دستیابی به امنیت است. تشکیل خانواده، سکونت در روستاها و سپس ایجاد شهرها، احداث مسکن و تأسیسات دفاعی، ابداع ابزارهای تولیدی و دفاعی، برقراری دادوستد، پاک‌سازی زمین و ایجاد مراکز کشاورزی و تولیدی، همگی در

طول بیش از چهل هزار سال انسانها را از موجوداتی پراکنده و صحرانگردد یا غارنشین به موجوداتی اجتماعی ساکن روستاها و شهرها و محتاج مکالمه، مبادلهٔ افکار و دادوستد کالاها و دارندهٔ امکانات مادی سلطه‌گری و برتری‌جویی تبدیل کرد. پیدایش خط و ابزارهای نگارش، تدوین قوانین و اصول رفتار اجتماعی، ابداع شیوهٔ حکومت و ساختار حفظ قدرت، همه عمری کوتاه‌کمتر از پنج هزار سال دارد. زندگی اجتماعی و فرهنگی جوامع در اشکال ابتدایی آن در واقع از زمانی آغاز شده است که مسألهٔ تأمین معاش فردی و جمعی در سایهٔ رونق کشاورزی، دامداری و صید و به کمک پیشرفت‌های فنی و تکنولوژیک عصرهای پارینه‌سنگی، آهن و مس و مفرغ و ابداعات و اختراعاتی مانند اهلی کردن حیوانات، درست کردن چرخ، بافت لیاف، کشف نمک، پخت نان، انبار کردن و حفظ مواد غذایی برای انسان اولیه حل شد و فکر و ذهن تعدادی از انسان‌ها از قید و بند تأمین معاش و امنیت فیزیکی آسوده گردید.

از زمان شناخت خواص فلزات و اختراع پول، از یک طرف بخشی از پس‌انداز انسان‌ها از کالاها و اموال فاسدشدنی و پر حجم به دارایی‌های با ارزش کم حجم و دارای قابلیت انتقال سریع تبدیل شد و در نتیجه، تلاشهای انسان از مرز محدود تأمین نیازهای فوری و ضروری غذایی تا بی‌نهایت گسترش یافت.

با همهٔ تحولات در زندگی اقتصادی و اجتماعی بشر طی اعصار و فزون و علیرغم همهٔ لشگرکشی‌ها و فتوحات و پیداشدن امپراتوری‌ها و افراد قدرتمند و ثروتمند در طول تاریخ، تنها از زمان وقوع انقلاب صنعتی (۱۸۵۰-۱۷۵۰) و به کارگیری قوهٔ بخار بعنوان نیروی محرک و اختراع موتور است که زندگی بشر چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی و سیاسی دچار تحول بنیادی و برگشت‌ناپذیر گردیده است. کشف و استخراج نفت و استفاده از آن به جای چوب و ذغال سنگ، استفاده از موتور به جای نیروی بدنی انسان، استفاده از آهن و فولاد به جای چوب، اختراعات و اکتشافات و پیشرفت انواع علوم و فنون به کمک ثروت‌های تازه



گردآوری شده، از یک طرف تولید انبوه محصولات صنعتی و تجارت در مقیاس جهانی را ممکن ساخت و از طرف دیگر با تجمع انسان‌های بی‌شمار در شهرها و تمرکز نامحدود انسانها در محیط‌های صنعتی و تولیدی، کل روابط اجتماعی و سیاسی و روحی و فکری و رابطه مردم با مراکز قدرت تاریخی مانند مالکان و فئودالها، اشرافیت و طبقه حاکم و صاحبان نفوذ و اقتدار مذهبی دگرگون شد.

دنیای متمدن در آغاز قرن بیستم شاهد هفت تحول بنیادی در زندگی اقتصادی-اجتماعی انسانها بوده است:

۱- انتقال ثروت و قدرت مادی از زمین و کشاورزی به صنعت و تجارت و خدمات؛

۲- انتقال قدرت سیاسی از فئودالها، کلیسا و اشرافیت به صاحبان صنایع، کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی و خدماتی؛

۳- انتقال رهبری سیاسی-اجتماعی جامعه به تحصیلکردگان و متخصصان و افراد حرفه‌ای شامل نویسندگان، حقوق‌دانان، روزنامه‌نگاران، اقتصاددانان، مهندسان، بانکداران و سلب تدریجی امتیازات مبتنی بر روابط خانوادگی و وراثت یا وابستگی‌های طبقاتی خاص؛

۴- پذیرفته شدن اصل آزادی و برابری انسانها و حرکت به سوی حق رأی عمومی صرف نظر از جنس و ثروت و وابستگی‌های موروثی و نیز شناخت حقوق طبیعی برابر برای همه انسانها؛

۵- پذیرفته شدن اصل انتخابی بودن مقامات حکومتی، محدود بودن مدت تصدی آنان و اصل پاسخگو و مسئول بودن و لزوم حساب پس دادن منتخبان؛

۶- پذیرفته شدن اصل دموکراتیزه و مردمی شدن حکومت‌ها و مسئولیت آنها در قبال شهروندان به گونه فردی و جمعی؛

۷- پذیرفته شدن اصل تعیین وظایف و مسئولیت حکومتها توسط خود مردم یا نمایندگان مردم و تعهد مردم در تأمین هزینه اداره امور عمومی به صورت پرداخت انواع مالیات.

همراه با این تحولات بنیادی و ساختاری در زندگی اجتماعی انسانهای متمدن، تأسیس بانکها و مؤسسات اعتباری و تبدیل شدن پول از فلز

کمیاب و گران‌قیمت و دارای ارزش ذاتی به کاغذ کم ارزش و فراوان و نیز ایجاد پول‌های دفتری و حسابداری و تأسیس شرکت‌های سهامی، تحول ضروری اساسی دیگری تحقق یافته است که ضمن دادن قدرت مادی و فیزیکی نامحدود به دارندگان ابزارهای پولی و اعتباری و مدیریتی، قدرت شهروندان اعم از کارگر و کارمند و در بسیاری از موارد کسبه و کارکنان و تولیدکنندگان مستقل را سخت محدود کرده و تحت تأثیر قرار داده است.

وقوع جنگ بین‌الملل اول و بروز بحران اقتصادی ۱۹۲۹-۳۳ و جنگ بین‌المللی دوم نشان داد که نظام اقتصادی و سیاسی ظاهر آزاد و رقابتی، هم در درون کشورها و هم در مقیاس جهانی، دارای مکانیزم‌های کنترل، تعدیل و هدایت درونی نیست و مردم و حکومت‌ها به نمایندگی از آنها باید در رفع نواقص نظام سرمایه‌داری و احیای تأسیسات مناسب و مربوط اقدام نمایند.

از پایان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵) در ساختار و در درون جوامع پیشرفته صنعتی و در روابط میان کشورهای صنعتی تحولاتی رخ نموده است که آینده بشر را برای همیشه تحت تأثیر قرار داده و مردمان پراکنده در دنیای ظاهر اوسع را به ساکنان دهکده‌ای جهانی تبدیل کرده است. این تحولات عبارت است از:

۱- خشکاندن ریشه‌های حکومت‌های خودکامه متمرکز فردی یا گروهی بر پایه فاشیسم و کمونیسم یا احساسات و عقاید ناسیونالیستی افراطی. آنچه بر سر مردم ژاپن و آلمان آمد و آنچه در شوروی سابق و اقمار آن اتفاق افتاد، پرورنده این نوع حکومت‌های مبتنی بر زور و قلندری و بی‌توجهی به آمال و آرزوهای واقعی مردم را برای همیشه بست.

۲- حرکت در جهت تفاهم و همکاری‌های بین‌المللی و رفع موانع داد و ستد کالا، خدمات، مبادله تجربیات و درک وابستگی متقابل و نیاز همه انسانها به یکدیگر. امضای قرارداد عمومی تعرفه و تجارت و دهها مقاله‌نامه و قرارداد در مورد اختراعات و اکتشافات، علامت تجاری، مبادلات علمی و فرهنگی و برگزاری هزاران سمینار و کنفرانس بین‌المللی از این مقوله است.

### ○ انقلاب اطلاعاتی،

شاهراه‌های مخابراتی،

شبکه‌های جهانی،

شبکه‌های جهانی و به هم

پیوسته اطلاع‌رسانی که در

دسترس مردم عادی است،

وضعی پیش آورده که

در حال حاضر حجم

مبادلات بین‌المللی در هر

ساعت، از کل حجم

مبادلات در قرن نوزدهم

بیشتر است.

۳- درك ضرورت ایجاد و حمایت از تشكّل های مردمی (غیر دولتی) در همهٔ زمینه‌ها مانند اتحادیه‌های کارگری، کارفرمایی، دانشجویی، بانوان، دانش‌آموزی و تشكّل های حرفه‌ای و صنفی، انجمن‌های علمی و تخصصی به منظور گردآوری نظرات مردم و طبقه‌بندی و تلفیق آنها به منظور ارائه به دولت‌ها و مقامات محلی و آسان‌سازی انطباق نظرات مردم با برنامه‌ها و سیاست‌ها و بودجه‌بندی‌ها در داخل کشورها و تدریجاً در مقیاس‌های منطقه‌ای و جهانی.

۴- حرکت بزرگ به سوی منطقه‌گرایی و جهان‌گرایی و کنار گذاشتن اهداف و آراء محدود و تنگ‌نظرانهٔ محلی و ملی و توجه به منافع وسیع‌تر و عام‌تر از راه درست کردن اتحادیه‌های اقتصادی-سیاسی، بازارهای مشترک، مناطق اقتصادی و غیره که امروز افزون بر آزادسازی مبادلهٔ کالا، آزادسازی نقل و انتقال سرمایه و نیروی کار و یکسان‌سازی مقررات حاکم بر عوامل تولید در مناطق وسیعی از جهان به صورت چندجانبه یکسان و یکنواخت شده است.

۵- توجه جهانی به ضرورت حفظ طبیعت و محیط زیست و قیام مردم در برابر سیاست‌های دولت‌ها و شرکت‌ها و منافع خاص فردی و جمعی برای بقای جنگل‌ها، فضاها، سبزه، پاک‌ی آب‌ها، پاک‌ی و تمیزی محیط، آلوده نکردن خاک و از همه مهم‌تر تأمین هوای سالم برای مردم شهرها و مخصوصاً کودکان.

۶- تحولات حیرت‌انگیز علمی از کوچکترین سطح مانند مطالعات ژنتیکی و نقشه‌برداری DNA تا بررسی کهکشان‌ها و مرزهای ناشناختهٔ ابدیت که هر روز و ساعت افق دانش و دید بشر را به اندازهٔ دهه‌ها و گاه قرن‌ها وسعت می‌بخشد. انقلاب اطلاعاتی، شاهراه‌های مخابراتی، شبکه‌های جهانی و به هم پیوستهٔ اطلاعات در دسترس مردم عادی، وضعی بیش آورده است که در حال حاضر حجم مبادلات بین‌المللی در هر ساعت از کل حجم مبادلات در قرن نوزدهم بیشتر است. سرعت اطلاع‌رسانی، عمق و وسعت داده‌ها و نزدیکی درك و فهم افراد در اثر دسترسی به منابع اطلاعاتی و علمی مشترک، اصطلاح دهکدهٔ جهانی را به واقعیتی ملموس تبدیل کرده است.

۷- فرایند یکسان شدن نیازها؛ آلام و دردها و ناراحتی‌های انسانها. جز از بین رفتن لایهٔ ازون بر فراز نیمکرهٔ جنوبی، بویژه قطب جنوب که خیر از شیوع انواع سرطان در کشورهای منطقه می‌دهد یا گرم شدن کرهٔ زمین، ذوب شدن یخ‌های قطبی که در صورت ادامه یافتن، نیمی از سرزمین‌های ساحلی را به زیر آب می‌برد یا واقعهٔ چرنوبیل که تا دهها سال دیگر اروپای مرکزی را آلوده ساخته است یا اپیدمی ایدز که سالانه از همهٔ کشورها میلیونها نفر قربانی می‌گیرد، جهانی شدن شبکه‌های اطلاع‌رسانی سبب شده است که طوفان و سیل در بنگلادش یا برزیل، کشتار فلسطینیان در خاورمیانه، قتل عام در اوگاندا، سرکوب مخالفان در چین یا راه افتادن محاکمات فرمایشی در هر جای دنیا، رواج قاچاق مواد مخدر و روسپی‌گری، به درد و غم جهانی مخصوصاً برای روشنفکران و آگاهان سیاسی تبدیل شود و واکنش‌های گوناگون در مقیاس جهانی پدید آورد.

۸- حرکت به سوی یکسان شدن سیاست‌ها و برنامه‌ها و انتظارات از دولت‌ها و مقامات منتخب و حتی غیر انتخابی در مقیاس جهانی. امروز نه تنها سازمان‌هایی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی به دنبال یکسان‌سازی عمل‌ها و روش‌ها در زمینهٔ امور اقتصادی، اجتماعی و بولی هستند یا اتحادیهٔ اروپا تا مرز حذف پول‌های ملی، حذف سیاست‌های پولی و مالی جداگانه، حذف مرزها و سرحدات اقتصادی پیش رفته است، بلکه هیچ امر اجتماعی-سیاسی و اقتصادی تنها مربوط به داخل يك کشور و تحت حاکمیت فرد یا دولت خاصی نیست و آثار آن در ممالک همجوار و دیگر کشورها بلافاصله حس می‌شود. خرابی اوضاع اقتصادی-سیاسی مکزیک سیل مهاجرت به ایالات متحده را تشدید می‌کند؛ جنگ داخلی اوگاندا میلیونها نفر را به کشورهای مجاور می‌فرستد؛ سازمان ملل باید صدها میلیون دلار برای آوارگان خرج کند؛ مسائل سیاسی کردها در ترکیه، فقر در پاکستان، جنگ داخلی در افغانستان، بحران عراق و... جملگی مسائل قاچاق انسان و کالا، حمل و نقل مواد مخدر، نقل و انتقالات غیرقانونی سرمایه‌ها، اسلحه و غیره را در مقیاس اروپا، خاورمیانه و آسیا به وجود آورده است.

○ بررسي‌های انجام شده نشان می‌دهد که هر چه اصول آزادی، رقابت، مشارکت و شایسته‌سالاری بیشتر در جامعه‌ای حاکم باشد، توان آن جامعه برای جذب انسانها، سرمایه‌ها، مغزها و نوآوری‌ها بیشتر و در نتیجه سرعت رشد اقتصادی و رفاه مادی مردم آن نیز بیشتر خواهد بود.

۱- آزادی مشارکت و رقابت همه افراد، مؤسسات و نیروها و اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی در کلیه امور سیاسی-اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه و کوشش مداوم در حذف عوامل بازدارنده و مزاحم مشارکت و رقابت. وضع انواع قوانین ضد ترانس، ضد انحصارات، ضد تبعیض، ضد بسته بندی، ضد پارتی بازی، ضد مافیایگری، ضد استفاده از اطلاعات درونی شرکتها، همه برای رواج هر چه بیشتر آزادی در مشارکت و رقابت است که سبب بروز و عرضه شدن بهترین استعدادها و امکانات می شود.

۲- شایسته سالاری یعنی برگزیدن، معرفی کردن و فرصت دادن به بهترین ها و شایسته ترین ها برای کار کردن، مقام یافتن، مدیریت کردن و پاداش مادی و معنوی گرفتن، احترام داشتن در جامعه و به عکس طرد افراد، مؤسسات، رفتارها، طرز کارها، تکنولوژی ها و ماشین آلات بی خاصیت، کم بازده، مزاحم و پرهزینه به منظور صرفه جویی و جلوگیری از اتلاف منابع و جاباز کردن برای شایستگان و نخبگان و افراد، ماشین آلات و تکنولوژی های مؤثر و پربازده. در نظام های اقتصادی-اجتماعی و سیاسی موفق، درست مانند طبیعت که در آن اصل بقای اصلح حاکم است، این اعتقاد وجود دارد که جامعه بشری به عنوان بخشی از طبیعت تابع همان اصول حاکم بر طبیعت است.

نتیجه پذیرش و پیروی از اصول دوگانه فوق، عملکرد علمی، تکنولوژیک، اقتصادی و سیاسی این جوامع است که با وجود جمعیت و منابع اندک، امروز تقریباً ۴ برابر نسبت خود تولید (۵۷/۴ درصد کل تولیدات جهانی) و بیش از ۵ برابر نسبت خود (۷۷/۶ درصد تجارت جهانی) دادوستدهای جهانی را در اختیار دارند.

نگاهی به ارقام اقتصادی مربوط به بعضی از کشورهای موفق در جدول ۱، اثر معجزه آسای رقابت و شایسته سالاری را به خوبی منعکس می نماید و برعکس مقایسه درآمد سرانه روسیه با ایالات متحده در سال ۲۰۰۰ که تقریباً نسبت یک به بیست و دوران نشان می دهد (۱۷۴۰ دلار در مقایسه با ۳۷۹۰۰ دلار) تبلور عملی و واقعی عدم توجه به اصول رقابت و شایسته سالاری در گذشته در یک نظام کمونیستی و دیکتاتوری است.

و رواج یافتن تروریسم، قتل های فرقه ای، قتل های سیاسی، خفه شدن پناهجویان و... انعکاس نابسامانی ها در سرزمین های خاص است و راه حل همه آنها تقریباً مشابه و یکسان است. ترس از جهانی شدن تنها دلسوزی بخاطر از دست رفتن مشاغل یا صدمه دیدن بخش هایی از اقتصاد نیست، ترس از جهانی شدن در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، ترس از عدم امکان بهره گیری از امتیازات خاص و انحصاری و سوءاستفاده از قدرت بطور مخفی و پوشیده است که با آزادسازی ها و جهانی شدن دادوستدها و اطلاعات، منافع گروه های خاص را به خطر می اندازد و تداوم تسلط ها را مشکل می کند.

۹- مسابقه دولت ها در کسب ارقام رشد و توسعه اقتصادی هر چه بالاتر و تورم و بیکاری هر چه کمتر برای اثبات شایستگی حزب حاکم در امر حکومت و ادامه رهبری افراد برجسته حزب در مشاغل انتخابی و انتصابی. امروز در نظام های حکومتی دموکراتیک کار کردن برای مردم و پاسخ دادن به نیازهای آنها (بیش از هر چیز اشتغال و درآمد مطمئن و مداوم و فزاینده همراه با ثبات نسبی قیمت ها که سطح زندگی بالاتری را تضمین می نماید و آرامش و امنیت جان و مال) عامل اصلی و کلید بر سر کار ماندن دولت ها به شمار می رود. از این رو همه احزاب و گروه ها اعم از موافق و مخالف در هر حکومت می کوشند بهترین مغزها، بهترین مدیران و با تجربه ترین و کارگشته ترین افراد را برای احراز مقامات تعیین و گاه حتی پیش از انتخابات، همکاران خود را به جامعه معرفی و بر مبنای احترام اجتماعی و کاردانی آنها کسب رأی کنند. در بین کشورها و بر مبنای تطبیقی، جنگ، جنگ مغزها، تجربه ها و مدیریت ها است. یک مدیر موفق که کارخانه ای را با ده هزار کارگر دایر و سودآور نگاه می دارد مانند ژنرال است که در جنگ لشگری را در جهت اهداف ملی به پیروزی رسانده است.

مجموعه تحولات سیاسی-اقتصادی و اجتماعی پیش آمده در کشورهای پیشرفته و صنعتی که به تسلط آنها (۱۵/۵ درصد جمعیت جهان) بر بقیه دنیا منجر شده است حاصل پذیرش و پیروی از دو اصل است:

○ افزایش جمعیت در سن کار از نخستین سالهای دهه ۱۳۷۰ (نرخ رشد بالای ۴ درصد در سال) ناشی از سیاستهای جمعیتی سالهای ۱۳۵۷-۶۳ است که حدود ۱۶/۸ میلیون نفر جمعیت اضافی و مشکل عظیم تأمین نیازها و اشتغال آنان را پدید آورده است.

بعضی از شاخص های اقتصادی کشورهای پیشرفته صنعتی و چند کشور نیمه صنعتی در سال ۲۰۰۰

تورم (درصد) بیکاری	رشد سالانه درآمد (درصد)	درآمد سرانه (دلار)	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	جمعیت (میلیون)	
۱/۹	۲/۵	۳۹۴۰۰	۲۸۶/۶	۷/۲۸	سوئیس
۱/۸	۳/۵	۳۱۰۰۰	۲۷۵/۴	۸/۸۸	سوئد
۲/۲	۲/۲	۳۹۴۰۰	۱۷۷/۷	۴/۵۱	نروژ
۲/۳	۲/۹	۲۱۸۰۰	۱۲۶۰/۳	۵۷/۹۲	ایتالیا
۲/۲	۲/۴	۳۴۸۰۰	۱۸۶/۲	۵/۳۶	دانمارک
۱/۵	۲/۹	۲۷۱۰۰	۲۲۴۲/۹	۸۲/۸۵	آلمان
۱/۵	۳/۲	۲۵۹۰۰	۱۵۴۳/۷	۵۹/۶۶	فرانسه
۲/۹	۳/۸	۳۷۹۰۰	۱۰۵۳۳/۴	۲۷۸/۰۶	ایالات متحده آمریکا
۲/۳	۳/۰	۲۴۴۰۰	۷۶۰/۹	۳۱/۱۶	کانادا
۰/۸	۲/۰	۳۸۰۰۰	۴۸۵۲/۹	۱۲۷/۸۵	ژاپن
***					
۱/۴	۷/۵	۹۰۹	۱۱۶۱/۶	۱۲۷۸/۰۰	چین
۱۸/۰	۴/۰	۱۷۴۰	۲۵۲/۶	۱۴۵/۰۸	روسیه
۸/۰	۶/۶	۴۸۸	۴۹۶/۷	۱۰۱۷/۰۰	هندوستان
۶/۳	۶/۸	۸۱۵	۱۷۴/۷	۲۱۴/۳۹	اندونزی

منبع: اکونومیست، جهان در سال ۲۰۰۱، لندن، دسامبر ۲۰۰۰

ملل متحد ارزش مغزهای فراری از جهان سوم بین سالهای ۱۹۶۱-۱۹۷۷ را ۲۰ میلیارد دلار برآورد کرده است. ورود بیشتر سرمایه‌های خارجی به ایالات متحده آمریکا به دلیل بازده بیشتر عوامل تولید صورت می‌پذیرد، و این که در پرتو انقلاب اطلاعاتی، پیشرفت‌های دانش فنی سریعتر و زود صورت می‌پذیرد. (جدول‌های ۲ و ۳)

## جدول ۲

## ورود سرمایه‌ها به ایالات متحده آمریکا

سال	میلیارد دلار
۱۹۹۷	۲۷۰
۱۹۹۸	۱۴۰
۱۹۹۹	۳۲۰
۲۰۰۰	۴۱۰
۲۰۰۱	۲۷۰

منبع: اکونومیست، لندن، گزارش سال ۲۰۰۱

نکته قابل توجه دیگر، رقابت بین خود جوامع پیشرفته صنعتی است. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که هرچه اصول آزادی، رقابت و مشارکت و شایسته‌سالاری بیشتر در جامعه‌ای مستقر باشد، قابلیت آن جامعه برای جذب انسانها، سرمایه‌ها، مغزها و نوآوری‌ها بیشتر و در نتیجه سرعت رشد اقتصادی و رفاه مادی مردم آن بیشتر و سریعتر خواهد بود. برای مثال، در ایالات متحده آمریکا که بازترین و آزادترین کشور جهان شناخته شده است بیش از نیمی از برندگان جایزه نوبل آن در خارج از ایالات متحده متولد شده‌اند و هم‌اکنون ۵۰۰ دانشمند علوم هسته‌ای از دیگر کشورها به ایالات متحده مهاجرت کرده‌اند. وزارت امور خارجه آمریکا ورود مغزها به آمریکا را هدیه‌های داوطلبانه سایر کشورها به آمریکا می‌نامد و ارزش آن را بین سالهای ۱۹۷۲-۹۷ معادل ۱/۸ میلیارد دلار برآورد می‌کند و سازمان

**تأثیر تکنولوژی اطلاعات بر افزایش بازده عوامل تولید در اثر تزریق سرمایه، تکنولوژی و مدیریت تازه در ایالات متحده ۲۰۰۰-۱۹۷۰**

دوره	درصد رشد
۱۹۷۰-۷۵	۲/۳۵
۱۹۷۵-۸۰	۱/۱۶
۱۹۸۰-۱۹۸۵	۱/۷۲
۱۹۸۵-۱۹۹۰	۱/۳۱
۱۹۹۰-۱۹۹۵	۱/۵۳
۱۹۹۵-۲۰۰۰	۲/۹

منبع: وزارت کار ایالات متحده آمریکا

۲۰۰۱ حدود ۴۰ میلیارد دلار برای مبارزه با مواد مخدر هزینه کرده است ولی تعداد جوانانی که تازه مواد مخدر را تجربه می کنند حدود ۳۰ درصد افزایش یافته است. نکته ای که باید مورد توجه و تأکید قرار گیرد تفاوت اساسی انحرافات اجتماعی و فرهنگی در یک جامعه مرفه و یک جامعه فقیرزده است. غیر از انحرافات و جرایم ناشی از نقایص فیزیکی و روحی انسانی که در همه جوامع وجود دارد، اختلاف انحرافات و جرایم در جوامع غنی صنعتی و کشورهای فقیر، ناشی از اختلاف فقر مطلق و فقر نسبی و تطبیقی است.

## ۲- عملکرد اقتصاد ایران

میانگین رشد سالانه اقتصادی ایران در دوره ۲۰ ساله پس از انقلاب ۱/۲ درصد بوده است. یعنی تولید ناخالص داخلی کشور از ۱۱,۹۳۹ میلیارد ریال (۱۱۵/۱ میلیارد دلار) در سال ۱۳۵۶ به قیمت های ثابت سال ۱۳۶۱ به ۱۷,۴۵۵ هزار میلیارد ریال (۱۳۱/۸ میلیارد دلار) در سال ۱۳۷۸ رسیده است. (جدول ۴) جمعیت کشور در همین دوره از ۳۶/۸ میلیون نفر به ۶۴/۶ میلیون نفر افزایش یافته و در نتیجه در آمد سرانه هر ایرانی بطور متوسط حداقل ۳۰ درصد کمتر شده است. این رشد اقتصادی اندک، در مقایسه با امکانات مالی فراوان، پرسشهای زیادی در رابطه با مدیریت اقتصاد مطرح می سازد. درآمدهای ارزی ایران از محل صدور نفت، صادرات غیر نفتی، موجودی های ارزی کشور در زمان انقلاب، طلب های ارزی ایران از کشورهای مختلف که پس از انقلاب وصول شده است و نیز وام ها و اعتبارات اخذ شده در سالهای پس از خاتمه جنگ به بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار بالغ شده است. در همین مدت دولت تدریجاً تا نیمه اول سال ۱۳۷۹ از حدود ۱۲۵/۸ هزار میلیارد ریال اعتبارات سیستم بانکی داخلی (وام بدون بهره و بازپرداخت) استفاده کرده است. این امکانات و درآمدهای مالیاتی، حقوق و عوارض گمرکی دریافتی و صدها هزار میلیارد ریال اموال و دارایی های در اختیار دولت و نهادهای عمومی نتوانسته است به رشد و توسعه اقتصادی مناسب منجر شود.

آشفستگی های سال اول انقلاب، جنگ

○ از ویژگیهای یک جامعه فقیر و مردم فقیر، بالا بودن سهم هزینه های خوراکی در بودجه خانواده است؛ در حالی که در یک جامعه ثروتمند هزینه های خوراکی حدود ۱۴ تا ۱۵ درصد کل هزینه خانوار را تشکیل می دهد. در ایران، در سال ۱۳۷۷، تقریباً ۲۹/۶ درصد هزینه خانوار شهری و ۴۶/۴ درصد هزینه خانوار روستایی صرف غذا شده است. این درصد برای خانوارهای زیر خط فقر به ترتیب ۴۲ و ۵۶ درصد بوده است.

رشد و توسعه اقتصادی، بالا رفتن درآمدها و بهبود سطح اشتغال و رفاه، حاصل مدیریت صحیح امور اقتصادی و توجه به اصول علم اقتصاد است. توجه به اصول علم اقتصاد مانند حداکثر کردن بازده، صرفه جویی، حداقل کردن هزینه، حداقل کردن استفاده از عوامل تولید و توجه به نیروهای حاکم بر بازار، برای اکثریت افراد جامعه فرصت کار و تلاش و امکان اعتلای مادی و معنوی را فراهم می سازد. یک اقتصاد شکوفایی تواند برای تک تک افراد خود سرمایه گذاری کند. بالا رفتن سطح بهداشت و درمان، آموزش عمومی و آموزش های تخصصی، افزایش طول عمر، موفقیت در مسابقات ورزشی، داشتن فرصت استراحت، مسافرت و تفریح و بطور کلی لذت بردن از زندگی و راضی بودن از زندگی، همه تنها در پر تورش و توسعه اقتصادی به دست می آید. گرچه توسعه اقتصادی به منزله از میان رفتن مفاسد اجتماعی و انحرافات روحی و اخلاقی مردم جامعه نیست، ولی جامعه ثروتمند قادر است برای رفع نابسامانی ها و مفاسد اجتماعی سرمایه گذاری کند. ایالات متحده آمریکا با داشتن دو میلیون نفر زندانی، ۲۵ درصد زندانیان جهان را دارد در حالی که جمعیت آن تنها ۵ درصد جمعیت جهان است. گذشته از چگونگی تعریف جرم و شدت اجرای قانون که به زندانی شدن مجرم و بالا رفتن ارقام می انجامد، جامعه آزاد و ثروتمند می تواند هزینه اجرای قانون را بپردازد. ایالات متحده در سال

## جدول ۴

سال	صادرات نفت میلیون بشکه در روز	درآمد نفت میلیون دلار	تولید ناخالص داخلی میلیارد دلار	رشد تولید ناخالص داخلی درصد	قیمت نفت بشکه - دلار	جمعیت میلیون نفر	نورم ۱۳۵۳=۱۰۰
۱۹۷۰	۳.۵۲	۱,۲۶۸.۴	۶۱,۷۴۲.۶	۱۱.۳	۲.۱۷	۲۹.۲۶	-
۱۹۷۱	۴.۱۷	۲,۱۱۴.۱	۶۹,۳۶۴.۰	۱۲.۳	۲.۳۷	۳۰.۰۲	-
۱۹۷۲	۴.۶۸	۲,۵۳۴.۰	۸۰,۶۵۷.۲	۱۶.۳	۲.۴۹	۳۰.۹۱	-
۱۹۷۳	۵.۴۲	۵,۰۷۳.۰	۸۷,۵۶۸.۹	۸.۹	۵.۳۲	۳۱.۸۲	-
۱۹۷۴	۵.۵۳	۱۸,۶۷۲.۰	۹۳,۳۶۹.۸	۶.۶	۱۱.۵۷	۳۲.۷۷	۱۰۰
۱۹۷۵	۴.۸۹	۱۹,۰۵۴.۰	۹۸,۴۶۴.۰	۵.۴	۱۱.۱۲	۳۳.۷۳	۱۱۴
۱۹۷۶	۵.۳۲	۲۰,۶۵۲.۰	۱۱۵,۱۳۸.۱	۱۶.۹	۱۱.۸۹	۳۴.۳۰	۱۲۸
۱۹۷۷	۴.۹۹	۲۰,۷۱۳.۰	۱۱۳,۸۶۷.۰	-۱.۱	۱۱.۳۷	۳۵.۳۰	۱۴۲
۱۹۷۸	۴.۵۸	۱۷,۸۶۷.۰	۱۰۱,۲۸۲.۰	۱۱.۰	۱۴.۵۰	۳۶.۸۰	۱۶۳
۱۹۷۹	۲.۵۸	۱۹,۳۱۶.۰	۹۳,۲۰۷.۰	-۸.۰	۳۹.۰	۳۸.۴	۱۸۹
۱۹۸۰	۰.۹۵۲	۱۱,۶۰۷.۰	۸۱,۲۷۵.۰	۱۲.۸	۳۹.۳۵	۴۰.۴	۲۳۷
۱۹۸۱	-۰.۹۳۱	۱۲,۴۵۶.۰	۷۹,۲۷۶.۰	-۲.۵	۳۷.۰۰	۴۱.۵	۲۷۸
۱۹۸۲	۲.۰۵۱	۲۰,۰۵۰.۰	۸۹,۶۴۳.۰	۱۳.۱	۳۰.۶۰	۴۳.۰	۳۱۹
۱۹۸۳	۲.۰۳۹	۲۰,۲۰۰.۰	۱۰۱,۵۰۸.۰	۱۳.۲	۲۸.۶۳	۴۴.۶۰	۳۵۰
۱۹۸۴	۱.۶۴۷	۱۶,۷۶۲.۰	۱۰۲,۴۳۵.۰	۰.۹	۲۷.۰۰	۴۶.۲۰	۳۹۱
۱۹۸۵	۱.۴۹۰	۱۳,۷۱۰.۰	۱۰۲,۶۷۳.۰	۰.۲	۲۶.۰۰	۴۷.۸۰	۳۹۹
۱۹۸۶	۱.۲۵۰	۶,۲۵۵.۰	۸۷,۱۶۹.۰	-۱۵.۵	۱۳.۰۵	۴۹.۴۰	۴۸۲
۱۹۸۷	۱.۵۴۶	۱۰,۷۵۵.۰	۸۸,۱۷۱.۰	۱.۲	۱۷.۱۴	۵۱.۳۰	۵۷۸
۱۹۸۸	۱.۶۴۷	۹,۶۷۳.۰	۸۰,۵۲۶.۰	-۸.۷	۱۳.۳۰	۵۱.۳۰	۶۸۶
۱۹۸۹	۱.۹۹	۱۰,۶۰۷.۰	۸۳,۱۹۷.۰	۳.۳	۱۶.۰۴	۵۵.۰۰	۷۸۴
۱۹۹۰	۲.۲۲	۱۷,۹۳۳.۰	۹۳,۹۶۰.۰	۱۱.۷	۲۲.۲۶	۵۶.۴۰	۹۴۲
۱۹۹۱	۴.۴۶	۱۴,۸۰۲.۰	۱۰۳,۶۰۰.۰	۱۱.۴	۱۸.۶۶	۵۷.۲۰	۱,۱۲۰
۱۹۹۲	۲.۷۰	۱۶,۳۰۰.۰	۱۱۰,۶۰۴.۰	۶.۷	۱۸.۷۷	۵۸.۳۰	۱,۲۰۸
۱۹۹۳	۲.۱۸	۱۴,۳۳۳.۰	۱۱۳,۳۴۴.۰	۲.۵	۱۵.۷۷	۵۹.۸۰	۱,۶۷۴
۱۹۹۴	۲.۲۲	۱۴,۶۰۳.۰	۱۱۴,۷۵۵.۰	۱.۲	۱۴.۸۷	۶۰.۱۰	۲,۲۷۵
۱۹۹۵	۲.۲۹	۱۵,۱۰۳.۰	۱۱۷,۸۱۵.۰	۲.۷	۱۶.۱۸	۶۰.۶۰۲	۳,۵۲۲
۱۹۹۶	۲.۴۴	۱۹,۲۷۱.۰	۱۲۳,۹۴۱.۰	۵.۲	۷۱۹.۸۳	۶۰.۱۰	۴,۳۷۲
۱۹۹۷	۲.۳۴	۱۵,۴۶۴.۰	۱۲۷,۵۳۵.۰	۲.۹	۱۶.۰۰	۶۰.۷۰	۵,۱۵۹
۱۹۹۸	۲.۲۷	۹,۹۳۳.۰	۱۲۹,۸۳۰.۰	۱.۸	۱۲.۳۳	۶۲.۰۰	۵,۹۶۴
۱۹۹۹	۲.۰۲۰	۱۶,۲۷.۰	۱۳۱,۷۷۸.۰	۱.۵	۱۸.۸۵	۶۳.۴۰	۷,۴۰۷
۲۰۰۰	۲.۳۰۰	۲۰,۸۸۸.۰	۱۳۵,۰۷۳.۰	۲.۵	۲۰.۵۶	۶۴.۶۰	۸,۵۱۸

صد برابر شدن نقدینگی مستقیماً از ۱۲۱ برابر شدن حجم بدهی دولت به سیستم بانکی ناشی شده است و ۴۹ برابر شدن قیمت‌ها را ایجاد کرده است. (جدول ۴)

ویژگی سوم اقتصاد ایران در دوره ۲۰ ساله، ناتوانی آن در ایجاد اشتغال کافی در مقایسه با رشد نیروی کار بوده است. (جدول ۶) در سال ۱۳۵۵ جمعیت در سن کار ۲۲/۳ میلیون نفر بود که ۸/۸ میلیون نفر آن کار داشتند و ۱۳/۲ میلیون نفر جمعیت فعال به حساب می‌آمدند. در سال ۱۳۷۸ جمعیت در سن کار به ۴۰/۸ میلیون نفر افزایش یافته است. در این سال (۱۳۷۸) از جمعیت در سن کار تنها ۱۵/۲ میلیون نفر شاغل بوده‌اند که نرخ فعالیت ۲۷/۵ درصد و ضریب اشتغال ۲۳ درصد را نشان می‌دهد. <sup>۱</sup> بالا بودن بار تکفل یعنی تعداد افرادی که هر فرد شاغل باید زندگیشان را تأمین نماید (۴/۲ نفر) فشاری است که از پایین بودن ضریب اشتغال ایجاد می‌شود. در یک اقتصاد شکوفا و فعال، بار تکفل حدود ۲ است، یعنی از هر دو نفر

تحمیلی، تحریم‌های اقتصادی آمریکا در مورد ایران ممکن است از عوامل سقوط اقتصادی کشور ذکر شود ولی امروز بیش از ۱۰ سال از دوران جنگ می‌گذرد و هنوز اقتصاد ایران گرفتار همان مشکلات یعنی رشد اقتصادی اندک و پرنوسان، وابستگی شدید به درآمد نفت و بهای نفت در بازارهای جهانی، صادرات غیرنفتی را کدو نیاز شدید به واردات مواد غذایی است.

دیگر ویژگی بارز تحولات اقتصادی ایران در این دوره، وجود فشارهای تورمی دائمی است. سطح قیمت‌ها از سال ۱۳۵۶ تا امروز ۴۹ برابر شده است. تا سال ۱۳۷۸ افزایش قیمت‌ها بین ۲۵ تا ۵۰ درصد در نوسان بوده و تنها در سال اخیر است که نوید افزایش قیمت‌ها در حد ۱۵ درصد داده شده است. افزایش قیمت‌ها تنها در اثر افزایش نقدینگی در اقتصاد در شرایط رکود تولید بوده است. میزان نقدینگی در اقتصاد در نیمه اول سال ۱۳۷۹ برابر ۲۱۲٪ هزار میلیارد ریال بود که نسبت به نقدینگی سال ۱۳۵۶ از ۱۰۰ برابر شدن آن حکایت دارد.

○ از ویژگی‌های اقتصاد ایران که بخشی از علل عدم رشد اقتصادی مناسب کشور را بیان می‌کند، پایین بودن و حتی سقوط میزان تشکیل سرمایه و خالص سرمایه گذار به‌یاست.

## جدول ۶

## تحولات ساختار جمعیت و اشتغال و بیکاری در ایران

۱۳۳۵-۱۳۷۸  
(هزار نفر - درصد)

سال	جمعیت کل	۱۰ ساله به بالا	جمعیت غیر فعال	جمعیت فعال	شاغل	بیکار	نرخ فعالیت	ضریب اشتغال
۱۳۳۵	۱۸۹۵۵	۱۲۷۸۴	۶۷۱۷	۶۰۶۷	۵۹۰۸	۱۵۹	۳۲/۰	۳۱/۲
۱۳۴۵	۲۵۰۷۹	۱۷۰۰۰	۹۱۵۸	۷۸۴۲	۷۱۱۶	۷۲۶	۳۱/۳	۲۸/۴
۱۳۵۵	۳۳۷۰۹	۲۳۰۰۲	۱۳۲۰۶	۹۷۹۶	۸۷۹۹	۹۹۷	۲۹/۱	۲۶/۱
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵	۳۲۸۷۴	۲۰۰۵۴	۱۲۸۲۰	۱۱۰۰۲	۱۸۱۹	۲۵/۹	۲۲/۳
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵	۴۵۴۰۱	۲۹۳۷۴	۱۶۰۲۷	۱۴۵۷۲	۱۴۵۶	۲۶/۷	۲۴/۳
۱۳۷۸	۶۲۸۰۰	۵۰۵۰۰	۴۵۵۰۰	۱۷۹۰۰	۱۵۲۰۰	۲۳۰۰	۲۷/۵	۲۳/۹

سال	جمعیت زیر ۱۰ سال	افزایش جمعیت غیر فعال نسبت به دوره قبل	بعد خانوار	بار تکفل	افزایش اشتغال نسبت به دوره قبل	افزایش اشتغال سالانه (هزار نفر)
۱۳۳۵	۶۱۷۱	—	۴/۷۵	۳/۲۰	—	—
۱۳۴۵	۸۰۷۹	۲۴۴۱	۴/۹۹	۳/۵۲	۱۲۰۸	۱۲۰/۸
۱۳۵۵	۱۰۷۰۷	۴۰۴۸	۵/۰۲	۳/۸۳	۱۶۸۳	۱۶۸/۳
۱۳۶۵	۱۶۵۷۱	۶۸۴۸	۵/۱۱	۴/۴۹	۳۱۰۳	۳۱۰/۳
۱۳۷۵	۱۴۶۵۴	۹۳۲۰	۴/۸۵	۴/۱۲	۳۵۷۰	۳۵۷/۰
۱۳۷۸	۱۲۳۰۰	۱۶۱۲۶	۴/۲۰	۴/۱۹	۴۲۸	۱۴۳/۰



حدود ۴۸ میلیون نفر داشت و تأمین زندگی آنها کار بسیار آسانتری بود. ویژگی چهارم اقتصاد ایران در دوره ۲۰ ساله، نامتعادل بودن توزیع ثروت و درآمد است. متأسفانه به علت‌های گوناگون، بررسی دقیقی در مورد وضع توزیع ثروت در جامعه صورت نگرفته یا نتایج بررسی‌ها منتشر نشده است. اطلاعات مربوط به قدرت خرید طبقات ثروتمند تنها از راه بررسی بودجه خانوار بطور غیر مستقیم به دست آمده است. در این بررسی‌ها خانوارها بر حسب میزان هزینه ماهانه به ده گروه (دهک) تقسیم و طبقه‌بندی می‌شوند و از روی میزان مخارج آنها می‌توان به ثروت و درآمد و قدرت خرید آنها پی برد.

چنان‌که در جدول‌های شماره ۷ و ۸ دیده می‌شود، در سال ۱۳۷۸ ده درصد خانوارهای شهری دهک پایین ۱/۹۴ درصد هزینه‌های مصرفی را داشته‌اند و در مقابل ۱۰ درصد خانوارهای شهری دهک بالا ۲۹/۳ درصد مصرف جامعه شهری را به خود اختصاص داده‌اند (نسبت ۱۵/۱ برابر). در همین سال یک خانوار روستایی

جمعیت کشور یک نفر کار دارد. در ایران، در سال ۱۳۷۸ رقم جمعیت غیر فعال در حدود ۴۵/۵ میلیون نفر بوده است. در این سال گرچه تعداد بیکاران رسمی ۲/۳ میلیون نفر یا حدود ۱۳ درصد گزارش شده است ولی این رقم در سایه حساب نکردن همه زنان خانه‌دار و بیکاران ناامید شده از پیدا کردن کار به دست آمده است و شاغلان نیز شامل کسانی است که حداقل دوروز در هفته کار کرده و مزد دریافت داشته‌اند. زیاد شدن جمعیت در سن کار از نخستین سالهای دهه ۱۳۷۰ (نرخ رشد بالای ۴ درصد در سال) مربوط به سیاست‌های جمعیتی سالهای ۱۳۵۷-۶۳ است که رشد جمعیت حدود ۴/۵ درصدی این سالها را ایجاد کرد و در نتیجه با تشویق زاده و ولد (با دادن کوبین خواربار، زمین، انواع کالاهای سوبسیدی و وعده‌های دیگر) حدود ۱۶/۸ میلیون نفر جمعیت اضافی به وجود آورد که امروز مشکل عظیم تأمین نیازها و کار یابی را پدید آورده است. به عبارت دیگر، اگر نرخ رشد جمعیت سالهای پیش از انقلاب (حدود ۲ درصد) ادامه می‌یافت، امروز ایران حداکثر جمعیتی در

○ احساس امنیت، حاصل تعادل بین مسجسموعه متغیرهایی است که جامعه را در فضای اجتماعی مساعدی قرار می‌دهد که مردم احساس امنیت می‌کنند و آرامش خیال دارند. ابعاد این امنیت، سیاسی، اقتصادی، قضایی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی است.

## جدول ۷

سهم هزینه مصرفی دهکها در خانوارهای روستایی و نسبت‌های دهک دهم به اول و دو دهک اول به دو دهک پایین

سال	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم	نسبت دهک دهم به اول	نسبت ۴۰٪ بالا به پایین
۱۳۷۵	۱/۴۳	۳/۱۱	۴/۴۳	۵/۶۹	۷/۰۱	۸/۴۰	۱۰/۲۱	۱۲/۶۳	۱۶/۵۳	۳۰/۵۵	۲۱/۳۰	۸/۶۷
۱۳۷۶	۱/۵۱	۳/۲۲	۴/۴۶	۵/۶۶	۶/۹۳	۸/۴۲	۱۰/۱۲	۱۲/۴۶	۱۶/۲۷	۳۰/۹۵	۲۰/۵۰	۹/۹۰
۱۳۷۷	۱/۳۵	۲/۹۹	۴/۲۲	۵/۴۱	۶/۷۱	۸/۱۴	۹/۹۵	۱۲/۴۲	۱۶/۶۸	۳۲/۱۳	۲۳/۸۰	۱۱/۲۰
۱۳۷۸	۱/۵۱	۳/۱۱	۴/۳۲	۵/۵۲	۶/۸۲	۸/۳۲	۱۰/۱۷	۱۲/۶۵	۱۶/۵۶	۳۱/۰۲	۲۰/۵۴	۱۰/۴۰

مأخذ: گزارش مرکز آمار ایران

## جدول ۸

سهم هزینه مصرفی دهکها در خانوارهای شهری و نسبت‌های دهک دهم به اول و دو دهک بالا به دو دهک پایین

سال	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم	نسبت دهک دهم به اول	نسبت ۴۰٪ بالا به پایین
۱۳۷۵	۱/۷۸	۳/۵۰	۴/۷۲	۵/۸۸	۷/۰۶	۸/۴۵	۱۰/۱۶	۱۲/۴۶	۱۶/۱۷	۲۹/۸۲	۱۶/۸	۸/۶۷
۱۳۷۶	۱/۹۷	۳/۷۳	۴/۹۱	۶/۰۳	۷/۲۰	۸/۵۰	۱۰/۰۳	۱۲/۲۲	۱۵/۸۶	۲۹/۵۵	۱۵/۰	۷/۹۷
۱۳۷۷	۱/۹۵	۳/۷۲	۴/۹۱	۶/۰۴	۷/۲۱	۸/۵۲	۱۰/۱۶	۱۲/۴۲	۱۶/۲۱	۲۸/۸۶	۱۴/۸	۷/۸۱
۱۳۷۸	۱/۹۴	۳/۶۴	۴/۸۵	۵/۹۴	۷/۱۷	۸/۵۴	۱۰/۱۶	۱۲/۴۱	۱۶/۰۷	۲۹/۳۰	۱۵/۱	۸/۱۸

مأخذ: مرکز آمار ایران

## جدول ۹

خط فقر ماهانه شهری و روستایی ۷۹-۱۳۷۴  
(هزار ریال)

۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	
شهری	۲۴۶/۱	۳۳۴/۴	۴۱۴/۲	۵۲۰/۷	۶۲۴/۳	۷۰۸/۵
روستایی	۱۷۵/۸	۲۲۴/۰	۲۵۰/۸	۳۵۱/۸	۴۲۱/۸	۴۷۸/۷

منبع: مرکز آمار ایران

دهک اول فقط ۱/۵۱ درصد مصرف و یک خانوار روستایی دهک آخر ۳۱/۰۲ درصد (نسبت ۲۰/۵۴ برابر) مصرف جامعه روستایی را داشته است. این نابرابری شدید مصرف، اولاً معرف نابرابری شدید توزیع درآمد و ثروت است و ثانیاً این ارقام نشان می‌دهد که در سالهای ۱۳۷۵-۷۸ نابرابری در جامعه

روستایی به مراتب بیشتر از نابرابری در جامعه شهری بوده است (نسبت ۲۰/۵۴ در مقابل ۱۵/۱ در سال ۱۳۷۸). این اختلافات شدید مصرفی-درآمدی-ثروتی از طرف دیگر معرف قرار داشتن قشر عظیمی از جامعه در خط فقر و فرورفتن قشر بزرگی از آن در زیر خط فقر است.

برای تعریف فقر، حداقل نیازهای اساسی زندگی فرد بر اساس انرژی روزانه مورد نیاز بدن انسان بر حسب سید غذایی متعارف و مناسب با فرهنگ تغذیه جامعه یعنی حداقل ۲۲۰۰ کالری روزانه سرانه در نظر گرفته شده است. کسی که ارزش بولی تهیه و مصرف این سبد غذایی و نیز دو برابر آن برای تأمین سایر نیازها (بهداشت و درمان، تفریح، مسکن، پوشاک، آموزش و غیره) را نداشته باشد فقیر است. در همین جا باید به رابطه تورم و خط فقر نگاهی افکند. هر اندازه قیمت‌ها بیشتر افزایش یابد، پول بیشتری برای تأمین همین حداقل‌ها مورد نیاز است. برای مثال، در سال ۱۳۷۴ یک خانواده شهری (۴/۸ نفر) با درآمد ماهانه ۲۴۶/۱ هزار ریال فقیر بوده، ولی همین خانواده در سال ۱۳۷۹ با درآمد ۷۰۸/۵ هزار ریال فقیر بوده است. همین دورقم برای خانواده روستایی (۵/۶ نفر) به ترتیب ۱۷۵/۸ هزار ریال و ۴۷۸/۷ هزار ریال بوده است؛ یعنی هزینه غذایی

## جدول ۱۰

نسبت جمعیت زیر خط فقر در سال ۱۳۷۷  
(درصد)

	میانبازهای اساسی		
	خانوار	فرد	
شهری	۱۱/۵	۱۴/۶۳	۱۸/۷۲
روستایی	۱۵/۲	۱۶/۷۸	۲۱/۷۶
کل	۱۳/۰۶	۱۵/۴۸	۲۰/۲۳

منبع: مرکز آمار ایران، و مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی توسعه

خانواده فقیر شهری تقریباً ۳ برابر و هزینه غذایی خانواده فقیر روستایی ۲/۷ برابر شده است. براساس مطالعات مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۷۷ معادل ۱۴/۶۳ درصد جمعیت شهری (۱۱/۵ درصد خانوارها) و ۱۶/۷۸ درصد جمعیت روستایی (۱۵/۲ درصد خانوارها) در زیر خط فقر قرار داشته‌اند. (جدولهای ۹ و ۱۰) به نگاهی دیگر، در این سال ۱۵/۴۸ درصد کل مردم کشور (۱۳/۰۶ درصد خانوارها) در زیر خط فقر بوده‌اند. راه دیگر محاسبه طبقات فقیر شناخت کسانی است که از متوسط درآمد جامعه کمتر درآمد دارند. از این نظر، ۲۰/۲۳ درصد مردم کشور در سال ۱۳۷۷ فقیر بوده‌اند و تعداد افراد فقیر در روستاها ۳ درصد

○ در سال ۱۳۷۷، متوسط نرخ پس انداز در کشور تقریباً ۲۲/۵ درصد بوده است که اولاً در مقایسه با کشورهای جنوب شرقی آسیا حدود ۱۰ درصد پایین تر است؛ ثانیاً میزان تشکیل سرمایه حداکثر حدود ۱۵ درصد بوده است که نشان می‌دهد تقریباً ۸ درصد تولید ناخالص واقعی بیرون از سیستم اقتصادی (به صورت اندوخته در داخل و خارج، به کار افتادن در بازارهای موازی و زیرزمینی یا در خارج کشور) نگهداری می‌شود.

## جدول ۱۱

شکاف درآمدی خانوارهای کم درآمد در سال ۱۳۷۹  
(میلیارد ریال)

جمع کل	۳۰٪ دهک ششم	۵۰٪ دهک دوم	دهک پنجم	دهک چهارم	دهک سوم	برآورد جمعیت (هزار نفر)	
۶,۱۸۸	۰	۲,۷۱۳	—	۱,۲۸۵	۲,۱۹۰	۴۰,۵۱۰	شهری
۴,۹۸۲	۶۹/۰	۱,۲۱۵	۸۵۰	۲,۶۳۳	۱,۲۱۵	۲۳,۲۳۰	روستایی
۱۱,۱۷۰	۶۹/۰	۳,۹۲۸	۸۵۰	۳,۹۱۸	۳,۴۰۵	۶۳,۷۴۰	کل

مأخذ: برآوردهای جمعیتی برنامه سوم و مرکز آمار ایران

کشور در کل ماهانه ۲۷۳۴ میلیارد ریال شکاف فقر داشته است. (جدول ۱۲) یعنی درآمد آنها از مخارج متوسط جامعه کمتر بوده است و تازه این مبلغ پس از کسر یارانه‌ها و دیگر کمک‌های انتقالی است که دولت از بودجه عمومی اعطا کرده است.

خانواده‌های کم درآمد شامل کسانی است که از ۲/۳ متوسط درآمد جامعه کمتر درآمد دارند. از این نظر در سال ۱۳۷۹ خانواده کم درآمد شهری، با درآمد ماهانه کمتر از ۱۳۲۰ هزار ریال و خانواده کم درآمد روستایی با درآمد ماهانه کمتر از ۸۳۵ هزار ریال بوده است. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۷ حدود ۲۵ درصد

خانوارهای شهری و ۲۸ درصد خانوارهای روستایی کم درآمد بوده‌اند. (جدول ۱۳) از ویژگی‌های يك جامعه فقیر و مردم فقیر، بالا بودن سهم هزینه‌های خوراکی در بودجه خانواده است؛ در حالی که در يك جامعه ثروتمند هزینه‌های خوراکی حدود ۱۵-۱۴ درصد کل هزینه خانوار را تشکیل می‌دهد. در ایران در سال ۱۳۷۷ تقریباً ۲۹/۶ درصد هزینه خانوار شهری و ۴۶/۴ درصد هزینه خانوار روستایی صرف غذا شده است. این درصد برای خانوارهای زیر خط فقر به ترتیب ۴۲ درصد و ۵۶ درصد بوده است. (جدول ۱۵)

دیگر ویژگی خانواده‌های فقیر و در زیر خط فقر، بدتر شدن ترکیب سبد غذایی و نوع مصرف آنهاست. فقر باعث شده است که حدود يك چهارم جمعیت کشور تدریجاً از مصرف انواع گوشت‌های مرغوب، میوه‌ها و خشکبار و حبوبات (مواد پروتئینی و ویتامین دار) محروم و به مصرف هر چه بیشتر آرد و نان، روغن‌ها و چربی‌های نامرغوب و شیر و فرآورده‌های لبنی (یارانه‌ای) روی آورند.

از شهرها بیشتر بوده است. (جدول ۱۱) مرکز پژوهش در برنامه‌ریزی اخیراً ۱۴ درصد خانواده‌های شهری و ۲۴ درصد خانواده‌های روستایی را فرو رفته در فقر اعلام کرده است.

از مقایسه متوسط هزینه سرانه جمعیت شهری و روستایی با هزینه سرانه افراد فقیر در شهر و روستا، شکاف فقر برای این مناطق محاسبه شده است. در سال ۱۳۷۹ فقرادر شهرها ۲۵۸۵ میلیارد ریال و در روستاها ۱۱۴۹ میلیارد ریال و

### جدول ۱۲

#### شکاف فقر شهر و روستا ۷۹-۱۳۷۷ (میلیارد ریال)

	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
مناطق شهری	۱۹۰۰	۲۲۷۸	۲۵۸۵
مناطق روستایی	۸۴۵	۱۰۱۳	۱۱۴۹
کل	۲۷۴۵	۳۲۹۱	۳۷۳۴

منبع: گزارش مرکز آمار ایران  
۱- با احتساب یارانه‌ها و سایر کمک‌های انتقالی دولت از محل بودجه عمومی

### جدول ۱۳

#### خانوارهای کم درآمد سال ۱۳۷۷ جدا از خانواده‌های فقیر (هزار ریال)

	شهری	روستایی
متوسط هزینه کل	۱۷۴۹۱	۱۱۰۵۱
دو سوم متوسط هزینه دهک‌های مشمول	۱۱۶۶۰	۷۳۶۷
درصد خانوار	۲۵ درصد	۲۸ درصد

منبع: مرکز آمار ایران

### جدول ۱۴

#### شکاف درآمدی گروه‌های کم درآمد در سال ۱۳۷۷ (میلیارد ریال)

	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	جمع کل	۱۳۷۹
شهری	۱۹۹۴	۱۶۱۰	۹۴۴	-	۴۵۴۸	۶۱۸۸
روستایی	۸۹۳	۱۲۰۰	۶۲۴	۱۶۹	۲۸۸۶	۴۹۸۲
جمع	۲۸۸۷	۲۸۱۰	۱۵۶۸	۱۶۹	۷۴۷۴	۱۱۱۷۰

منبع: مرکز آمار ایران

○ نقض مقررات و قوانین، امنیت اجتماع را به خطر می‌اندازد. بنابراین برخورد سریع، عادلانه و عالمانه با قانون شکنان و گریزندگان از تعهدات قانونی، در جامعه احساس امنیت به وجود می‌آورد.

## جدول ۱۵

**مصرف مواد پروتئینی، قند و نشاسته‌ای یک خانوار شهری در سالهای منتخب ۷۶-۱۳۶۹ (واحد کیلوگرم)**

	۱۳۶۹	۱۳۷۲	۱۳۷۶
برنج	۱۹۰	۲۰۱	۱۸۶
نان	۷۲۶	۷۰۱	۶۵۴
گوشت دام	۱۰۴	۸۵	۷۸
گوشت پرندگان	۵۲	۷۱	۷۱ <sup>(۱)</sup>
شیر و ماست	۲۸۲	۲۸۱	۲۶۲
پنیر	۲۵	۲۳	۲۲
تخم مرغ	۵۵	۴۵	۴۱
قند و شکر	۳۵	۳۹	۲۹
چای	۱۰	۸	۷

منبع: بانک مرکزی ایران، نتایج بودجه خانوار در مناطق شهری در سال ۱۳۷۶، تهران بهمن ماه ۱۳۷۷، جدول ۶ صفحه ۲۱.

(۱) - بالا رفتن مصرف گوشت پرندگان ناشی از ارزانی نسبی آن در سالهای گذشته بوده است که در ماههای اخیر دقیقاً جبران شده است.

○ در ایالات متحده با درآمد سرانه حداقل ۱۵ برابر و تعداد اتومبیل سرانه ۱۰ برابر ایران، شمار تلفات رانندگی يك پانزدهم ایران است و خسود این ارقام بازگوکننده درجه احترام مردم به قوانین و مقررات است.

چنان که در جدول ۱۵ دیده می‌شود، فقر شدید طبقات کم درآمد و در زیر خط فقر باعث شده است که متوسط مصرف کل خانواده‌های شهری در کشور در مورد مواد پروتئینی (گوشت دام)، تخم مرغ، قند و شکر، شیر و ماست، چای، برنج و نان از سال ۱۳۷۲ به بعد سیر نزولی پیدا کند. این بدتر شدن وضع تغذیه، اثر سوء خود را بر سلامت و قدرت جسمی و ذهنی کل خانواده‌های فقیر بویژه زنان و کودکان می‌گذارد و از توان رقابتی آنها در صحنه زندگی و در مقیاس ملی و بین‌المللی می‌کاهد.

دیگر ویژگی اقتصاد ایران که بخشی از علل عدم رشد اقتصادی مناسب کشور را بیان می‌کند، پایین بودن و حتی سقوط میزان تشکیل سرمایه و خالص سرمایه‌گذاری‌هاست. در سال ۱۳۷۸ متوسط نرخ پس انداز در کشور تقریباً ۲۲/۵ درصد بوده است که اولاً در مقایسه با کشورهای جنوب شرقی آسیا حدود ۱۰ درصد پایین تر است؛ ثانیاً میزان تشکیل سرمایه حداکثر حدود ۱۵ درصد است (۴/۳ درصد در سال ۱۳۷۸) که نشان می‌دهد تقریباً ۸ درصد تولید ناخالص واقعی بیرون از سیستم اقتصادی (به صورت اندوخته در داخل و خارج، به کار افتادن در بازارهای موازی و زیرزمینی یا در خارج کشور) نگهداری می‌شود. نکته مهمتر اینکه تشکیل سرمایه یکسره به افزایش کل موجودی سرمایه‌ها یعنی ماشین آلات و ساختمان منجر نمی‌شود. میزان استهلاک سرمایه‌ها در ایران در حال حاضر حدود ۱۰/۵ درصد است و بنابراین خالص سرمایه‌گذاری‌ها چنان که در جدول ۵ دیده می‌شود حدود ۳/۵-۴ درصد است که در مقایسه با افزایش سالانه نیروی کار (حدود ۴/۵ درصد) و به تعداد تقریباً ۷۵۰ هزار نفر به هیچ وجه قادر به جذب نیروی کار تازه و کاهش بیکاران انباشته شده از سالهای قبل نیست.

### ۳- تغییرات فرهنگی - اجتماعی و

#### مسأله امنیت ملی و عمومی

کشوری که اقتصادش نتواند شکم مردم را سیر کند نمی‌تواند به آرامش و امنیت دست یابد و برای آینده خود سرمایه‌گذاری نماید. ممکن است با

محروم و گرسنه ماندن مردم یا با سرمایه‌گذاری نشدن در صنایع، تکنولوژی و در زمینه احداث شاهراهها یا سدها و نیروگاهها موقتاً برای نیروهای دفاعی خرج کرد و امنیت را با زحمت زیاد برقرار نمود (مثل حکومت رم قدیم) ولی این امنیت دیرپا نخواهد بود زیرا با سقوط تولید و درآمد یا بارش اندک در مقایسه با تحولات جمعیتی و افزایش نیازها و در مقایسه با رشد و قدرت گرفتن رقبای دشمنان در خارج، توان ملی کاهش می‌یابد. سوء مدیریت، اتخاذ سیاست‌های نادرست، فساد و بی‌توجهی به اصول علم اقتصاد دقیقاً همان نتایج را به بار می‌آورد. امروز پس از سیصد سال چنین نتیجه‌گیری می‌شود که سقوط صفویه در اثر اجرای سیاست‌های مالیاتی نادرست و جمع کردن نقدینه (طلا و نقره) فراوان در خزانه و محروم کردن اقتصاد از پول در جریان و انگیزه کار و فعالیت بوده است. در واقع برنگاه داشتن خزانه و خرج نکردن پول برای کسار و فساد فعالیت‌های عمرانی یا زیاده‌خواهی‌های عمال حکومت اسباب سرنگون شدن حکومت مقتدر به ارث رسیده از شاه عباس را

فرهنگ ساختن است. کارهای غلط یا اجرای سیاست‌های نادرست توسط عمال حکومت، خود ناشی از کنار گذاشته شدن افراد عالم و دلسوز و تسلط سفالگران و خواجهگان و بله‌قربان‌گویان و مدیحه‌سرایان بر دربار صفوی بوده است.

از سوی دیگر، احساس امنیت برای مردم، حاصل تعادل بین مجموعه متغیرهایی است که جامعه را در فضای اجتماعی مساعدی قرار می‌دهد که مردم احساس امنیت می‌کنند و آرامش خیال دارند. ابعاد این امنیت، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، قضایی و نظامی است. اما امنیت قضایی مهم‌ترین شرط برخورداری از دیگر مواهب زندگی از جمله مواهب اقتصادی و مادی است و سبب می‌شود که جامعه در یک فضای اجتماعی مساعد احساس امنیت کند. از ابزارهای استقرار امنیت قضایی، دستگاه قضایی و قوانین و مقررات قضایی است. اگر دستگاه قضایی و عملکرد آن کارآمد و منظم باشد آثار عملکرد دستگاه قضایی مناسبات اجتماعی مردم را به گونه‌ای استقرار می‌بخشد که امنیت قضایی برای مردم حاصل می‌شود. یعنی امنیت قضایی نتیجه و حاصل نظم قضایی است. نظم قضایی در صورتی وجود دارد که هماهنگی لازم بین مجموعه قوانین قضایی و سازمان قضایی در جهت رسیدن به عدالت قضایی و احقاق حقوق عامه مردم برقرار باشد (اصل ۱۵۶ قانون اساسی). بنابراین نخستین پرسش در مورد امنیت عمومی و ملی این است که آیا امروز قوانین ماهوی و نیز قوانین شکلی مثل آیین دادرسی مدنی و سازمان قضایی چنان در کنار هم قرار گرفته‌اند و مجموعه کارآمدی را درست کرده‌اند که احقاق حقوق اشخاص و اجرای عدالت امکان‌پذیر باشد؟ برای استقرار نظم عمومی، دستگاه قضایی مناسب لازم است تا هر جا و توسط هر کس که مقررات و قوانین نقض شد و به نظم عمومی آسیب رسید، دستگاه قضایی با عملکرد خود این خدشه و صدمه به نظم عمومی را برطرف کند. نقض قوانین ممکن است حقوقی، مدنی یا کیفری باشد. نقض مقررات، امنیت اجتماع را به خطر می‌اندازد. بنابراین برخورد سریع، عادلانه و عالمانه با قانون‌شکنان و گریزندگان از تعهدات قانونی در جامعه احساس امنیت به وجود می‌آورد.

○ در سال ۱۳۷۸، یک سوم جمعیت کشور یا بیش از چهار میلیون و پانصد هزار خانواده در دادگستری پرونده تازه یا پرونده مختومه شده داشته‌اند که رشدی برابر ۹۰ درصد نشان می‌دهد. این پرونده‌ها ۱۸۴ میلیون ساعت و ۹۲۰ میلیارد ریال برای دستگاه انتظامی هزینه ایجاد کرده است.

نگاهی به ارقام جدول ۱۷ نشان می‌دهد که جامعه دستکم در ۱۵ زمینه با بحران جرایم و انحرافات اجتماعی روبه‌روست که بار دستگاه قضایی را دهها برابر کشورهای دیگر با جمعیت‌های مشابه نموده است:

۱- در سال ۱۳۷۸ حدود ۱۳ میلیون نفر (۲۱/۸ درصد جمعیت کشور) دارای اختلالات روانی بوده‌اند (از هر پنج نفر دستکم یک نفر. در مناطق روستایی ۱۷-۱۲ درصد و در مناطق شهری ۲۳-۱۷ درصد جمعیت ۱۵ سال به بالا). نتیجه این اختلالات روانی این است که هر دو روز حداقل یک نفر در نزاع‌های خیابانی کشته می‌شود. در اثر درگیری‌های خیابانی سالانه یک میلیون معاینه‌سریبی و اورژانس انجام می‌شود یا میزان خودکشی در سال ۱۳۷۸ حدود ۱۰۹ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته است.

۲- اثر اختلالات روانی و ناراحتی‌های روحی و گرفتاری‌های اقتصادی در رفتار مردم بویژه هنگام رانندگی انعکاس می‌یابد. در ایران روزانه حداقل ۵۰ میلیون تخلف رانندگی روی می‌دهد. طبق ارقام مندرج در جدول ۱۶، در سال ۱۹۹۵ در ژاپن تعداد تلفات ناشی از تصادفات رانندگی به ازای هر ۱۰/۰۰۰ وسیله نقلیه فقط ۱/۲ نفر، در ایالات متحده ۲ نفر و در ایران ۲۹/۸ نفر بوده است. تلفات سالانه در تصادفات رانندگی در ایران بیش از ۲/۵ برابر ترکیه است. در حالی که ترکیه توانسته تعداد این تلفات را طی کمتر از ده سال به کمتر از نصف تقلیل دهد، در ایران سرعت رشد تلفات تصادفات رانندگی (۳/۵ درصد) در دنیا نظیر ندارد. قابل توجه است که در ایالات متحده با درآمد سرانه حداقل ۱۵ برابر و تعداد اتومبیل سرانه ۱۰ برابر ایران، تعداد تلفات رانندگی یک پانزدهم ایران است و خود این ارقام بازگوکننده درجه احترام مردم به قوانین و مقررات است.

۳- در سال ۱۳۷۸ یک سوم جمعیت کشور یا ۴۵۷۴۴۵۷ خانواده در دادگستری پرونده تازه یا پرونده‌ای که مختومه شده داشته‌اند که رشدی برابر ۹۰ درصد نشان می‌دهد. این پرونده‌ها ۱۸۴ میلیون ساعت و ۹۲۰ میلیارد ریال برای دستگاه انتظامی هزینه ایجاد کرده است.

۴- در سال ۱۳۷۸ در ایران ۳۹۱۶ قتل اتفاق

افتاده است که تقریباً چهار پنجم آنها قتل غیر عمد بوده است.

۵- در سال ۱۳۷۸ روزانه ۴۵۰۰۰ مورد مراجعه به کلانتریها و پاسگاهها صورت گرفته است و در مجموع ۱۶/۴۲۵ میلیون نفر با کلانتریها سروکار داشته‌اند و ۵/۵ میلیون پرونده در کلانتریها و پاسگاهها تشکیل و برای مقامات قضایی فرستاده شده است. از این تعداد ۴/۷ میلیون پرونده قضایی و کیفری و ۸۰۰ هزار پرونده مدنی بوده است. دستگاه انتظامی برای هر پرونده ۱۰۰ ساعت صرف تحقیق، شناسایی و دستگیری کرده است.

۶- در سال ۱۳۷۸ جمعاً ۵۳۰ هزار نفر بوسیله مأموران انتظامی روانه دادگاهها و زندانها شده‌اند.

۷- در سال ۱۳۷۸ در کشور تنها ۹۰۰۰ مورد دستگیری حین سرعت انجام شده است که در ۶۱ مورد سارقان مسلح بوده‌اند؛ سارقان دستگیر شده در منازل ۲۲۶۳ مورد، در مغازه‌ها ۱۳۶۱ مورد و هنگام دستبرد زدن به اتومبیلها ۱۲۶۴ مورد.

۸- فرار جوانان از منزل در سال ۱۳۷۸ برابر ۳۰ درصد رشد داشته است. سن ۸۲ درصد جوانان فراری ۱۷-۱۸ سال بوده است. ۹۳۸ دختر فراری و ۷۳۵ پسر فراری در مقاطع ورودی و خروجی شهرها دستگیر شده‌اند.

۹- نزاعها و درگیری‌های خانوادگی گزارش

شده در کشور در سال ۱۳۷۸ بیش از ۲۳۸۷ مورد بوده که ۱۸۴۶ مورد آن صرفاً خانوادگی و بقیه مسلحانه بوده و به ۳۷ قتل منجر شده است.

۱۰- متوسط سن فحشاء از ۲۷ سال به ۲۰ سال کاهش یافته و حداقل آن به ۱۲ سال رسیده است.

۱۱- در کشور حدود ۲/۲ میلیون نفر معتاد وجود دارد و مصرف مواد مخدر آنها سالانه حدود ۲۰۰۰ تن است. در سال ۱۳۷۸ نیروهای انتظامی طی ۶۴۶ عملیات، ۲۸۵ نفر قاچاقچی را کشته و خود ۲۵ نفر شهید داده‌اند. در این سال ۹۳۰۰۰ نفر معتاد زندانی شده‌اند. به گفته دکتر جزایری استاد دانشگاه علوم بهزیستی «کشور ما در امر مبارزه با اعتیاد ۱۵۰ سال از دنیا عقب است. در حال حاضر در خیابانها مخصوصاً خیابان ناصرخسرو تهران قرص‌های شیمیایی مصرف می‌شود که به مراتب از تریاک و هروئین خطرناکتر است.»

۱۲- در سال ۱۳۷۹ حدود ۱۰۵۸۱۰ دانش آموز بایندر و مادر معتاد، ۶۵۸۶۰ دانش آموز بایندر معتاد و ۶۸۳۸ دانش آموز با مادر معتاد زندگی می‌کرده‌اند. تعداد دانش آموزان معتاد ۱۴۰۰ نفر و در معرض ابتلاء ۹۸۳۲ نفر و تعداد دانش آموزان عامل توزیع و فروش ۲۳۱۷ نفر بوده است.

۱۳- حجم قاچاق کالا در کشور سالانه بین ۴ تا ۱۲ میلیارد دلار برآورد شده است (بانک جهانی قاچاق کالا در کشورهای در حال توسعه را حدود

○ ۹۲/۵ درصد از برندگان و نخبگان المپیادهای ایرانی به خارج مهاجرت کرده‌اند و در حال حاضر ۱۸۲ هزار تن از متخصصان و مدیران میانی کشور تنها برای مهاجرت به کانادا، در سفارت کانادا در تهران ثبت نام نموده‌اند. هم‌اکنون ۴ میلیون ایرانی متخصص در خارج از کشور به سر می‌برند و به این ترتیب سالانه ۲ میلیارد دلار سرمایه از کشور بیرون می‌رود.

## چشم‌انداز اقتصاد ایران در سال ۱۳۷۸

### تلفات تصادفات رانندگی سال ۱۹۹۵

کشور	درآمد سرانه	تعداد تلفات	نسبت تلفات به ۱۰۰ هزار جمعیت	تعداد وسایل نقلیه به ۱۰۰۰ نفر	نسبت شاخص ایمنی تلفات در ۱۰۰۰ وسیله نقلیه
ایالات متحده	۲۹۳۳۹	۴۱۹۶۷	۱۵/۸	۷۸۷	۲
ژاپن	۳۸۲۶۴	۹۹۴۲	۷/۹	۶۶۹	۱/۲
آلمان	۲۸۳۳۵	۸۷۵۸	۱۰/۷	۵۵۹	۱/۹
فرانسه	۲۶۴۰۹	۸۰۸۰	۱۳/۸	۵۲۴	۲۰/۶
کانادا	۱۹۸۵۶	۳۰۸۲	۱۰/۳	۵۷۳	۱/۸
یونان	۱۱۶۸۸	۲۰۶۸	۱۹/۷	۲۹۷	۴
ترکیه	۶۰۰۰	۶۰۰۰			
ایران <sup>(۱)</sup> و <sup>(۲)</sup>	۲۰۶۲	۱۵۴۸۲	۲۳/۸	۸۰	۲۹/۸

مأخذ اصلی: گزارش مؤسسه تحقیقات حمل و نقل انگلستان (TRL Report 445) نقل شده در مجله ترابریان شماره ۱۸ آخر ماه ۱۳۷۹ صفحات ۷۱-۷۰

(۱) ارقام سال ۱۳۷۸

(۲) در سال ۱۳۷۷ تعداد تلفات تصادفات رانندگی ۱۴۷۰۰ نفر و تعداد افراد معلول و مجروح ۷۶۵۰۰ نفر بود که در سطح جهان کم سابقه است. در این سال میزان خسارت ناشی از حوادث رانندگی ۱۴۰۰۰ میلیارد ریال برآورد شده است.

شهید بهشتی، بعد از انقلاب میزان جرایم قشر سیاسی جامعه به شدت افزایش یافته است و قانون‌گریزی بسیاری از دست‌اندرکاران بدون مجازات مانده است.

در زمینه اقتصاد نیز عملکرد دستگاه قضایی و دستگاه‌های نظارتی دیگر مانند دیوان محاسبات و سازمان‌های بازرسی قابل بررسی است. به نوشته یکی از جرایم، دادگستری با اقتصاد زیرزمینی جدی برخورد نمی‌کند. به قول مقامات انتظامی، خرید و فروش تریاک در حد ۵۰ گرم تقریباً آزادانه در سراسر کشور انجام می‌شود و دستگاه قضایی با آن با بی‌تفاوتی برخورد می‌کند (سردار شفیعی مدیر کل اداره مبارزه با مواد مخدر).

شمار جرایم اقتصادی نامعلوم است. فلان وزیر از سوءاستفاده ۲۰۰ میلیارد تومانی رانت‌خواران آهن آلات صحبت می‌کند؛ زود افتتاح کردن فلان مجتمع صنعتی یا کارخانه در این یا آن شهر میلیاردها تومان به اقتصاد ملی صدمه زده است؛ گرفتن هزاران میلیارد ریال بابت پیش فروش کالاهای مختلف به مردم بدون تعیین تاریخ دقیق تحویل کالا و بدون داشتن ظرفیت تولید در حدی معقول، بازار ساختگی و انحصاری درست کردن برای صدها قلم کالا به منظور بالا نگاه داشتن قیمت‌ها، سودجویی‌های بسیار کلان در واردات شبه انحصاری کالاهای اساسی (شکر، گندم، روغن...) و توزیع کالاهای صنعتی تولید داخل (آهن و فولاد، آلومینیوم، اتومبیل، مواد معدنی) و انواع کالاهای برقی و الکترونیکی نمونه‌های کوچکی از انواع جرایم اقتصادی است. گرفتن جوایزهای موردی واردات بعضی از کالاها یا جواز صدور بعضی از کالاهای ممنوعه سوپرسیدی برای عده‌ای منشاء سودهای بادآورده است. نحوه برنده شدن در مقاطعه‌های صوری و دست‌به‌دست کردن کارهای مقاطعه شده یا برنده شدن در مناقصه‌ها و... نمونه‌هایی از جرایم اقتصادی است که جدا از جرایم ارزی و اعتباری و سوءاستفاده از مقام و اطلاعات قابل بررسی و تعقیب است.

در کنار این جرایم و گرفتاری‌های داخلی باید به مشکلات و مسائلی که خارج از مرزها و در رابطه با دیگر کشورها پیش می‌آید اشاره کرد.

۱۳ درصد تولید ناخالص داخلی می‌داند). روزانه ۲۰ تریلر حاوی سیگار خارجی به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود. در بازار تقریباً همه نوع کالای قاچاق یا ممنوع یافت می‌شود.

۱۴- غیر از سیگارهای خارجی قاچاق، شرکت دخانیات ایران در سال ۱۳۷۹ برابر ۲۴ میلیارد نخ سیگار تولید و فروش داشته است (مصرف روزانه برابر ۶۵/۷ میلیون نخ). پیامدهای مصرف سیگار از نظر ابتلا به انواع بیماریها بویژه سرطان و گرایش دادن فرد به مواد مخدر قابل توجه است.

۱۵- در شش ماه اول امسال اداره مبارزه با مواد مخدر ۱۲۲ تن مواد کشف و ۱۲۲ هزار نفر را دستگیر کرده است که ۳۰ درصد آنان به زندانهای طویل‌المدت محکوم شده‌اند. پرسنل این اداره طی ۷ سال ۱۵۰ میلیارد ریال پاداش کشف مواد مخدر دریافت داشته‌اند. شلاق و جریمه نقدی مجازات سایر قاچاقچیان بوده است.

۱۶- قاچاق کالا از کشور شامل دارو، بنزین، گازوئیل، آرد و بسیاری از کالاهای سوپرسیدی دیگر به شدت در استان‌های مرزی رواج دارد.

۱۷- جرایم جنسی و انحرافات اخلاقی که بعضاً کشف و مورد پیگرد قرار می‌گیرد خود داستان مفصل دیگری دارد که در مورد آنها، چه از جهت نحوه برخورد و رسیدگی و چه از نظر تحمیل مجازات، نکات و مسائل گوناگونی مطرح است.

توجه به همین ارقام ساده نشان می‌دهد که دستگاه قضایی، با امکانات و توانایی‌های موجود، با چه مشکلات عظیمی روبه‌روست.

موضوع دیگری که در این زمینه مطرح می‌باشد، جرایم سیاسی و اقتصادی است. بنا به گفته رئیس هیأت نظارت و پی‌گیری قانون اساسی، حقوق مردم حداقل در مورد اصول ۱۵۹، ۵۸، ۲۲، ۲۳، ۲۸، ۳۲، ۳۸، ۳۹، ۱۶۸ قانون اساسی نقض شده است. این اصول مربوط به ممنوعیت تفتیش عقاید و افکار، آزادی شغل، صلاحیت دادگاهها، روند محاکمات و بازداشت‌ها، ممنوعیت شکنجه، جرایم سیاسی و غیره بوده است. بنا به گفته دکتر علی صفاری استاد دانشکده حقوق

○ ریشه و خمیرمایه هر نوع امنیت، شکوفایی اقتصادی رشد تولید است که تنهادر سایه امنیت اقتصادی و تشویق و توسعه سرمایه‌گذاری به دست می‌آید.

تومان دارایی در اختیار آن، کمتر از ۰/۰۰۲ درصد بوده است.

سرمایه گذاری ناکافی و غیر مؤثر (جدول ۵)، کمبود اشتغال و درآمد، ناکارآمدی عوامل کلیدی و... است که امروز ۲۵ درصد جمعیت روستاها و حدود ۱۵ درصد جمعیت شهرها را زیر خط فقر برده است و سبب می شود که خیل جوانان بیکار و نیازمند و دانش آموزان پاره وقت بسیار سرپرست از افراد شاغل و فعال و امیدوار به آینده، دچار انحرافات اجتماعی شوند.

در اینجا بدنیست نظر تعدادی از مقامات کشور و استادان را در زمینه ریشه یابی فسادها و انحرافات اجتماعی و فرهنگی بازگو کنیم:

- امروز حجم بسیاری از وقت و انرژی مسئولان استان صرف تأمین و حفظ امنیت می شود. (مهر علیزاده استاندار وقت خراسان)  
- مشکلات فرهنگی تهدیدی جدی برای امنیت کشور است.

- عامل اصلی گرایش جوانان به مواد مخدر بیکاری است. استقبال از خرید و فروش مواد به قصد کسب درآمد و در اثر بی کاری و بی بولی است.

- ۳۵ درصد زندانیان بیکارند. (مهران نوربخش عضو شورای اجتماعی استان چهارمحال بختیاری)

- دغدغه همه ما مسائل فرهنگی است. (وزیر کشور)

- از ۶۲ میلیون جمعیت کشور ۱۲ میلیون زیر خط فقر، ۳ میلیون بیکار و ۲ میلیون معتادند. (محسن انصاری معاون فرماندهی نیروهای اجرایی قانون)

- جرم مانند سایر رفتارهای اجتماعی اکتسابی است. جوانان خاصیت الگوبرداری دارند. مردم از شخصیت های سیاسی الگو می گیرند. بعد از انقلاب میزان جرایم قشر سیاسی افزایش یافته است. (دکتر علی صفاری استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی)

- نبودن راههای مشروع برای رسیدن به اهداف فردی و جمعی، افراد را به ارتکاب جرم می کشاند. (دکتر علی صفاری)  
- برخورد نادرست با اشتباهات و عدم ارائه

بنابر گزارش روزنامهها (۱۰ دیماه ۱۳۷۹) شمار پناهجویان ایرانی در سراسر جهان سخت در حال افزایش است. در ماه نوامبر گذشته شمار پناهجویان ایرانی در بریتانیا (۳۷۵ نفر) ۳۴ درصد از ماه پیش بیشتر بوده است؛ دولت استرالیا نیز خبر از افزایش پناهجویان غیرقانونی ایرانی به آن کشور می دهد؛ در سوئیس نیمی از پناهجویان ایرانی هستند؛ تعداد ایرانیان دستگیر شده در کشورهای دیگر بویژه کشورهای حوزه خلیج فارس به جرم حمل مواد مخدر به سرعت در حال افزایش است و...

به این مهاجرت های غیر قانونی، باید فرار مغزها را افزود. بنا به گزارش وزارت علوم، ۱۵ درصد بورسیه های کارمند دولت به کشور بازمی گردند. ۹۲/۵ درصد از برندگان و نخبگان المپیادهای ایرانی به خارج مهاجرت کرده اند یا در حال حاضر ۱۸۲ هزار نفر از متخصصان و مدیران میانی کشور تنها برای مهاجرت به کانادا در سفارت کانادا در تهران ثبت نام کرده اند (مهدی بخشنده رییس دانشگاه اهواز، روزنامه ایران، ۷/۱۰/۷۹). بنا به گفته یک نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی (جمیله کدیور) هم اکنون ۴ میلیون ایرانی متخصص در خارج از کشور به سر می برند و سالانه ۲ میلیارد دلار سرمایه به این ترتیب از کشور خارج می شود. سیر صعودی فرار مغزها اعتبار کشور را خدشه دار کرده است (خراسان، ۲۴ آذرماه ۱۳۷۹). وسعت و تنوع مسائل و مشکلات روانی، اجتماعی و قضایی جامعه مخصوصاً ارقام جرایم ثبت شده و ثبت نشده نشان می دهد که جامعه دارای مسأله است و امنیت اجتماعی، قضایی و ثبات فرهنگی و اخلاقی جامعه خدشه دار شده است.

اما ریشه و خمیرمایه هر نوع امنیت، شکوفایی اقتصاد و رشد تولید است که تنها در سایه امنیت اقتصادی و تشویق و توسعه سرمایه گذاری به دست می آید.

چنان که در بخش مربوط به عملکرد اقتصاد ایران در دوره ۲۰ ساله متذکر شدیم، این امنیت از یک طرف برای بخش خصوصی وجود نداشته و از طرف دیگر اقتصاد بخش عمومی ناکارایی خود را نشان داده است. سودآوری صدها هزار میلیارد

### ○ اگر انتصابها فامیلی و

سیاسی باشد، یعنی وابستگی به احزاب و گروهها مبنای انتخاب برای مشاغل باشد، انسانهای واجد فضیلت به تدریج صحنه تلاش و پویایی را به روی خود بسته می بینند و از مسئولیتهای خود در نظام اجرایی کناره می گیرند و مشغول فعالیتهایی می شوند که اثر گذاری و کارآمدی کمتری دارد، یا به سوی جوامع دیگر کوچ می کنند.



وابستگی‌های فامیلی و محفلی این شده است که امروز جامعه ما کمتر برخوردار از مدیرانی است که واجد صفات لازم یک مدیر خوب یعنی حقیقت‌جویی، واقعیت‌شناسی، آسیب‌شناسی جامعه، نوگرایی و نوآفرینی، صداقت و صراحت و صمیمیت باشند.

رابطه بین حل نشدن مشکلات جامعه و حتی اضافه شدن آنها با انتصاب مدیران نامناسب و غیر کارآمد تا جایی درک شده که عده‌ای این امر را خیانت در امانت و خلاف دستور اسلامی «یرد الامانات الی اهلها» و انتصاب مدیران نالایق را عین بی‌عدالتی می‌دانند. (محمد رضا خباز نماینده کاشمر در مجلس شورای اسلامی - عضو کمیسیون برنامه و بودجه)

بنا به نظر نمایندگان مجلس امروز جامعه ما با ۲۰ بحران روبروست که مهمترین آنها بحران مدیریت است. این بحران مدیریت از اختلال در امر گزینش و انتخاب علمی و صحیح در بیشتر سطوح مایه می‌گیرد.

و خلاصه اینکه مدیریت جناحی انقلاب را تهدید می‌کند. (محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، رسالت ۱۵/۹/۷۹)

رشد اقتصادی و توسعه در همه زمینه‌ها، کلید پاسخ‌گویی به نیازهای فزاینده مردم بویژه نسل جوان جویای کار است. رشد اقتصادی از تزریق سرمایه و تکنولوژی حاصل می‌شود که به کمک مدیران کارآمد و علاقمند، در محیط برخوردار از امنیت اجتماعی-قضایی-سیاسی صورت می‌پذیرد. اعتقاد به استقرار جامعه مدنی، مردم‌سالاری، رقابت، شایسته‌سالاری، حاکمیت مردم تنها راه ایجاد هر نوع امنیت در جامعه است. تنها یک جامعه مولد و دارای رشد اقتصادی درونی می‌تواند برای دفاع از خود و استقرار امنیت در مقیاس جهانی و بین‌المللی منابع خود را صرف نماید و تنها راه استقرار امنیت اقتصادی، استقرار امنیت قضایی و حاکمیت قانون منبعت از مردم است.

## ۴- ابعاد ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی مناسب برای پاسخگویی به نیازها

با توجه به بحث تاریخی درباره تکامل جوامع صنعتی و پویا و علل موفقیت این جوامع که امروز

راه کارهای علمی برای رسیدن به آرمانها، دو نمونه از مشکلات و چالش‌های فرهنگی کار بوده است. (محسن قمی نماینده ولی فقیه در دانشگاهها)

- مشکلات اقتصادی، چند شغله بودن، بیکاری، ناتوانی در اداره زندگی از عوامل درگیری‌های خیابانی است. (روزنامه خراسان)

بررسی علمی و کارشناسانه مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که جامعه را با چالش‌های سیاسی و امنیتی مواجه کرده است نشان می‌دهد که کم توجهی به اولویت‌های واقعی بر مبنای نیازهای جامعه به صورت تطبیقی و اعمال نظرات مقطعی و شخصی، از یک طرف به اتخاذ تصمیمات نامناسب و از طرف دیگر به انتصاب افراد بدون توجه به اصول علم مدیریت و نظام شایسته‌سالاری منجر شده است. مدیریت محفلی، فامیلی و گروه‌گرایی به جای شایسته‌سالاری و گذراندن آزمون‌ها و داشتن شرایط احراز شغل سبب شده است که صاحبان مشاغل و کسانی که اداره امور عمومی و ثروت‌های ملی به دست آنان سپرده شده است خود را وامدار دهنده شغل بدانند که مصلحت‌اندیشی، باندبازی فادایی و جناحی رفتار کردن را به دنبال دارد و حاصل آن وضع موجود بدون نوآوری است. نتیجه دیگر این نوع انتصابات، نگاه کردن به امکانات کشور به عنوان غنایم جنگی، رقابت در رانت‌خواهی هر گروه در مقابل گروه دیگر بوده است. (دکتر وظیفه دوست استاد رشته مدیریت دولتی)

اگر انتصابات فامیلی و سیاسی باشد یعنی وابستگی به احزاب و گروهها مبنای انتخاب برای مشاغل باشد، انسانهای واجد فضیلت به تدریج صحنه تلاش و پویایی را بر روی خود بسته می‌بینند و از مسؤولیت‌های خود در نظام اجرایی کنار می‌روند و در فعالیت‌هایی که اثرگذاری کمتر و کارآمدی کمتر دارد مشغول می‌شوند یا از جامعه خود به سوی جوامع دیگر کوچ می‌کنند (مهندس جعفر مرعشی - رییس سازمان مدیریت صنعتی).

نتیجه مطرح کردن تعهد در مقابل تخصص و فدا کردن علم و تجربه و تخصص به پای

○ بنا به نظر نمایندگان مجلس، امروز جامعه ما با ۲۰ بحران روبروست که مهمترین آنها بحران مدیریت است. این بحران مدیریت از اختلال در امر گزینش و انتخاب علمی و درست در بیشتر سطوح مایه می‌گیرد.

آرزو و مورد تقلید همه کشورهای (حتی چین، ویتنام، کره شمالی و کوبا) است و با توجه به رموز موفقیت کشورهای جنوب شرقی آسیا و کشورهای آمریکای لاتین، خطوط اصلی یک سیاست، برنامه و طرز کار درست که می‌تواند یک ملت را به سرمنزل مقصود برساند به شرح زیر قابل خلاصه کردن است:

۱. وحدت نظر و هدف درباره اولویت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کلی جامعه. این وحدت نظر، وحدت نظر صدرصد نیست. در یک جامعه دموکراتیک این اکثریت است که نظرات خود را به تصویب می‌رساند بی‌اینکه حقوق و آزادی‌های قانونی اقلیت نادیده گرفته شود. تصویب سیاستها و برنامه‌ها در مجالس در قالب بودجه‌ها و گاه در رفرائندم‌ها، راه شناخت نظر اکثریت است که وظیفه دولت و مقامات اجرایی را معین می‌کند. برای شناخت نظرات مردم و در نتیجه فرموله کردن اهداف و خواسته‌ها، وجود تشکل‌های مردمی و آزادی آنها در فعالیت و گردآوری و شکل دادن نظرات مردم نقش اساسی دارد. آزادی برپایی و فعالیت تشکل‌ها، آزادی بیان نظرات اعم از مخالف و موافق، آزادی تشکیل اجتماعات اعم از موافق و مخالف یا آزادی روند انتخاب نمایندگان واقعی مردم از پایین‌ترین سطح مثل یک انجمن روستایی تاریس جمهور کشور از شرایط اولیه شناخت درست نظرات مردم است. آزادی بیان و اظهار نظر و تضمین این آزادی هم به صورت قانونی و هم در عمل، تنها راه شناخت و رسیدن به اهداف و نظرات بهتر و بالاتر است. بدون آزادی بیان، نظر اقلیت، حتی اقلیت یک نفره، هرگز نمی‌تواند به نظر اکثریت تبدیل شود. جامعه، بی‌آزادی بیان و انتشارات، پویا و باثبات نخواهد بود و حکومت به علت پیش آمدن حالات جدید و بروز متغیرهای تازه، هر روز مجبور است با صرف وقت و هزینه زیاد نظرات خود را پیش ببرد (مثال چین، لیبی، عراق، سوریه).

۲. قانون، سازمان، مدیریت براساس شایسته‌سالاری. وحدت نظر و هدف جامعه پیش از هر چیز در قانون اساسی کشور که به تصویب ملت می‌رسد انعکاس می‌یابد. شناخت مردم بعنوان منشاء قدرت، تفکیک قوای سه‌گانه،

استقلال و عدم مداخله آنها در کار یکدیگر، وجود دستگاههای نظارت و حسابرسی کارآمد، مقررات کیفری و تضمینی و... بستر روشن کار نظام را پایمیزی می‌کند و ملت خود را ملزم به رعایت قانون اساسی و قوانین موضوعه دیگر می‌داند. شایسته‌سالاری، چنان که قبلاً متذکر شدیم، تنها راه رسیدن به بهترین‌هاست. در یک جامعه سالم، برای انتخاب هر مدیر در هر سطح، ضوابط احراز شغل بر مبنای علمی و تجربی تدوین شده است. وجود فرصت شغلی آگهی می‌شود به اطلاع عموم می‌رسد، پرسشنامه‌ها پر می‌شود، کمیته‌ای بی‌طرف و صلاحیتدار چند نفر از بهترین‌ها را برای آزمون و مصاحبه دعوت می‌کند که نفر اول یا دو سه نفر برتر تعیین می‌شوند و یکی از آنها منصوب می‌گردد. بعنوان مثال، در شهر نیویورک برای انتخاب رییس آموزش و پرورش از میان حدود ۱۰۰ نفر داوطلب طی یک سال پس از صدها ساعت مصاحبه با اعضای انجمن شهر، شهردار، مدیران مؤسسات آموزشی و معلمان، بالاخره کسی انتخاب شد که بهترین دید و ایده را برای آینده نظام آموزشی و آموزش‌دیدگان در سال ۲۰۱۰ میلادی داشت.

۳. سیاست‌های توسعه اقتصادی و صنعتی درست و مناسب. وجود قوانین خوب، انتخاب بهترین مدیران و رعایت اصل شایسته‌سالاری تنها برای در اختیار داشتن آدم‌های خوب نیست. تنها افراد شایسته (از لحاظ تحصیلات، تجربه، انضباط کاری، افق دید، پاکی و درست‌تی) می‌توانند سیاست‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی درست، واقع‌گرایانه و کارآمد را تدوین و ارائه کنند و از تصمیمات غلط و انحرافی که باعث تلف شدن فرصت‌ها و ثروت‌ها می‌شود جلوگیری به عمل آورند. دموکراتیزه بودن نظام تصمیم‌گیری در درون دولت و حکومت اجازه می‌دهد که از میان نظرات و آراء بهترین‌ها و شایسته‌ترین‌ها، درست‌ترین تصمیمات با توجه به محدودیت‌ها و هزینه‌ها اتخاذ شود.

در یک جامعه دموکراتیک و نظام تصمیم‌گیری صحیح، انحراف عملکردها و نتایج حاصل از اهداف و ارقام هدف طی یک دوره مثلاً ۱۰ ساله در حد یک یا دو درصد است، درحالی که در یک

### ○ نخستین وظیفه هر

دولت، اولویت دادن به تولید است و این تنها راه پاسخ دادن به نیازهاست. سخن گفتن از توزیع کالاها و خدمات، بی‌توجه به تولید، سخن گفتن از تقسیم تدریجی فقر است.

جامعه بی‌بند و بار هیچ نتیجه‌ای با هدف انطباق پیدا نمی‌کند.

۴- تولید و رشد تولید هر چه بیشتر و مرغوتر کالاها و خدمات بعنوان کلید حل همه مشکلات و تنها راه نیل به اهداف. وظیفه اولیه هر حکومت و دولت اولویت دادن به تولید است و این تنها راه پاسخ دادن به نیازهاست. سخن گفتن از توزیع کالاها و خدمات بی‌توجه به تولید، سخن گفتن از تقسیم تدریجی فقر است. توزیع بدون توجه به تولید، با تشویق مصرف، پس اندازها را کاهش می‌دهد و از سرمایه‌گذاری‌ها می‌کاهد و نتیجه آن سقوط بیشتر تولید در دوره بعد است. در این زمینه، اخیراً جمعیت تولیدگرایان ایران اعلام داشته است:

تولید بطور اجتناب‌ناپذیری تمام مؤلفه‌های «ارزشی-اجتماعی-سیاسی-فرهنگی» هر ملتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر در جامعه‌ای تولید دچار کمبود و نقصان شود، مفاسد اجتماعی رو به رشد می‌گذارد. آثار مخرب افزایش نرخ بیکاری در جامعه با گسترش اعتیاد، دزدی و جنایت، فحشاء ناشی از فقر مادی، طلاق‌های ناشی از فشارهای مالی، احتکار، راحت‌طلبی گروه‌های مافیایی دخیل در نظام توزیع کالایی، انحصارطلبی‌های اقتصادی، باند‌های حاکم بر بازار مبادلات، گسترش عصبیت‌ها بر رفتار اجتماعی، خشونت‌گرایی، نظم‌گریزی، قانون‌گریزی، هتک حرمت‌ها، فساد مالی دستگاه اجرایی، شیوع افسردگی مزمن بخصوص در قشر جوان، افزایش آمار خودکشی، گسترش بی‌تفاوتی در قبال مسائل سیاسی، ناآرامی‌های اجتماعی از جمله پیامدهای نقصان تولید به‌شمار می‌آید.<sup>۲</sup>

۵- افزایش اشتغال مولد: با قبول تولید بعنوان اولویت شماره یک در هر جامعه، باید بین تولید و اشتغال مولد همه نیروی کار جامعه پیوند مناسب و دائمی وجود داشته باشد. نیروی کار بزرگترین ثروت و عامل بقای جامعه است. این نیرو باید مولد، پویا و مناسب با تحولات فنی و تکنولوژیک، دارای آموزش و کارآیی باشد.

این نیرو همراه با افزایش جمعیت افزایش می‌یابد و بنابراین انطباق دائم سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی (در زمینه کشاورزی، صنعت، معدن، ساختمان، خدمات، تجارت و غیره) و برنامه‌های افزایش تولید باید دقیقاً با سیاست‌ها و برنامه‌های جذب نیروی کار مولد هماهنگ باشد. هر گونه بی‌توجهی به ایجاد اشتغال کافی و مناسب، گذشته از جلوگیری از بهره‌برداری از ظرفیت‌های بالقوه جامعه و سقوط نسبی رشد و توسعه جامعه، پیامدهای وخیم اجتماعی و سیاسی خواهد داشت که اصل چارچوب جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهد.

۶- در يك جامعه سالم، کار منشاء اصلی درآمد فرد و خانواده اوست. در يك جامعه سالم، حقوق و دستمزدها روز به روز سهم بیشتری از تولید ناخالص ملکی را به خود اختصاص می‌دهد (۶۰-۷۰ درصد). سهم اجاره، سود، بهره، درآمد از محل دارایی‌های منقول که معرف ثروتمندی جامعه (پس اندازهای انباشته شده) و طرز توزیع ثروت و درآمد است به نسبت اندک است. درآمد کارگران و کارمندان در مقایسه با رشد نیازها (تشکیل خانواده و بزرگ شدن خانواده، ازدیاد مصرف، تنوع نیازهای کودکان و جوانان خانواده) و میزان افزایش قیمت‌ها، باید سالانه و به گونه مطمئن افزایش یابد. بالا رفتن سطح زندگی و تأمین (بی‌دغدغه) درآمد کافی، باید از اجزای درون‌ساخته نظام دستمزد و حقوق و پاداش باشد. درآمد کافی تنها به زمان استخدام و اشتغال محدود نیست؛ نظام تأمین اشتغال و درآمد باید معطوف به تأمین درآمد و پوشش دادن نیازهای مادام‌العمر کارگر و کارمند (شامل انواع بیمه‌ها، سهم در انواع صندوق‌ها، داشتن انواع پس اندازها) باشد تا دغدغه آیم کهنوت و پیری شیرینی زندگی و کار و فعالیت امروز را خدشه‌دار نکند.

۷- توجه به ایجاد پست‌ر مناسب برای کار نظام اقتصادی-سیاسی. موفقیت هر نظام در دنیای امروز مستلزم توجه دائم به بسترسازی و تعدیل و تطبیق سیاست‌ها و برنامه‌ها با تحولات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی و تکنولوژیک در مقیاس جهانی است. غیر از توجه دائمی به اصول علم اقتصاد که مانند نور و هوا از لوازم اولیه بقای هر

○ تولید به گونه‌ای  
گریزناپذیر همه مؤلفه‌های  
ارزشی-اجتماعی-سیاسی-  
فرهنگی هر ملت را تحت  
تأثیر قرار می‌دهد. اگر در  
جامعه‌ای تولید دچار کمبود  
و نقصان شود، مفاسد  
اجتماعی رو به رشد  
می‌گذارد.

مردمان در این کشورها تنها از راه ۱۲ برابر کردن تجارت و دادوستد کالاها، خدمات، دانش فنی، نیروی انسانی و غیره به دست آمده است و انقلاب تکنولوژی-اطلاعات، تجارت الکترونیکی، بازار واحد جهانی سرمایه، وسعت عمل و تنوع مالکیت جهانی شرکت‌های چند ملیتی از پیامدهای ملموس این بسترسازی‌ها توسط دولت‌ها، شرکت‌ها و خود مردم بوده است.

### یادداشت‌ها

۱. نرخ فعالیت، نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت و ضریب اشتغال نسبت جمعیت شاغل به کل جمعیت است.
۲. از بیابانه اعلام موجودیت جمعیت تولیدگر ایران ایران، بهمن ماه ۱۳۷۸

موجود زنده اقتصادی است، داشتن روابط سالم و متقابلاً مفید با دنیا از نظر تجارت و دادوستد، مبادله تجربیات، فن‌آوریها، جذب سرمایه‌ها، مبادله کارشناسان و نوآوران و نیروی کار، تنها راه داشتن رشد مداوم و رسیدن به توسعه همه‌جانبه است. تجربه کشورهای صنعتی در پنجاه سال اخیر و تجربه کشورهای جنوب شرقی آسیا (در ربع قرن اخیر) و تجربه اروپای شرقی در دهه اخیر ثابت کرده است که موفقیت در زمینه توسعه و رشد اقتصادی رابطه نزدیک و تقریباً یک به یک با درجه باز بودن واقعی اقتصاد و استفاده از این روابط بر مبنای اصول علم اقتصاد و بر محور منافع ملی دارد. بیش از پنج برابر شدن تولیدات ملی کشورهای صنعتی و ارتقای سطح زندگی و رفاه

○ موفقیت هر نظام در جهان امروز در گرو توجه دائم به بسترسازی و تعدیل و تطبیق سیاستها و برنامه‌ها با تحولات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی و تکنولوژیک در مقیاس جهانی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی